



A Study of the Influence of Pakistan's Women's Movement on Women's Urdu Literature

Ali Ahmad Shirazi¹ Reza Chehreghani²✉ Muhammad Iqbal Shahid³

1. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Imam Khomeini International University, Ghazvin, Iran. . Email: aliahmadshirazi@gmail.com
2. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Human Sciences, Imam Khomeini International University, Iran. Email: Chehreghani@hum.ikiu.ac.ir
3. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Languages, Islamic and Oriental Learning, G.C. University of Lahore, Lahore, Pakistan. Email: chairperson.per@gcu.edu.pk

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Urdu, the national language of the Pakistani people, inherits a valuable literary heritage in which women also play a major role. After the emergence of women's movements in the West and its transfer to Asian countries, the pursuit of social demands and the realization of women's rights in Eastern patriarchal societies became one of the main concerns of educated women in these countries. In Pakistan subsequent movements in the same direction were formed, which deepened and expanded after the independence of this country. Urdu speaking women poets and writers have collaborated with women's movements, using influential literary tools to achieve the social ideals of the women's movement, and creating works in the field of poetry and prose that can be called women's literature or writing. This descriptive-analytical study has tried to analyze the historical context of the formation of women's movements and the connection of Urdu literature with these movements in order to examine the evolution of women's writing in various historical periods. The results of the research show that throughout the history of the subcontinent, many women have created and produced literary works, but the reflection of women's specific issues, especially in the field of their social rights, dates back to the mid-nineteenth century. Despite this, literary activities for the production of women's writing have grown, expanded and deepened since the independence of Pakistan and have introduced great poets and writers to the world of literature such as Kishwar Nahid, Fahmideh Riyadh, Ada Jafri, Parvin Shakir, etc.
Article history: Received 06 March 2021 Received in revised form 10 June 2021 Accepted 15 June 2021 Published online January 2023	
Keywords: Urdu literature, women's writing, women's movements, sociology of literature, Pakistani literature.	

Cite this article: Shirazi Ali Ahmad,; Chehreghani Reza and Shahid Muhammad Iqbal. "Contemplation the Impact of the Pakistani Women's Movement on Urdu Women's Literature. *Research in Contemporary World Literature*, 27, 2, 2023, 1095-1129, -.DOI: <http://doi.org/doi:10.22059/jor.2021.320189.2120>.



بررسی تأثیر جنبش زنان پاکستان در ادبیات زنانه‌ی اردو

علی احمد شیرازی^۱ رضا چهرقانی^۲ محمد اقبال شاهد^۳

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران. aliahmadshirazi@gmail.com

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران. Chehreghani@hum.ikiu.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه جی. سی، لاهور، پاکستان. chairperson.per@gcu.edu.pk

چکیده

اطلاعات مقاله

زبان اردو، زبان ملی مردم پاکستان، وارث میراث ادبی ارزشمندی است که زنان در شکل‌گیری آن سهم عمده داشته‌اند. پس از ظهور جنبش‌های زنان در غرب و انتقال آن به کشورهای آسیایی، پیگیری مطالبات اجتماعی و استیفای حقوق زنان در جوامع مردسالار شرقی به یکی از دغدغه‌های اصلی بانوان تحصیل‌کرده‌ی این کشورها بدل شد و در پاکستان نیز حرکت‌هایی در این راستا شکل گرفت که پس از استقلال این کشور، عمق و گسترش بیشتری پیدا کرد. زنان شاعر و نویسنده‌ی اردو زبان با جنبش‌های زنان هم‌داستان شده، با به‌کارگیری ابزار تأثیرگذار ادبیات در مسیر نیل به آرمان‌های اجتماعی جنبش زنان، آثاری را در زمینه‌ی شعر و نثر پدید آوردند که می‌توان آنها را ادبیات یا نوشتار زنانه نامید. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی کوشیده است تا ضمن تحلیل زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری جنبش‌های زنان و پیوند ادبیات اردو با این جنبش‌ها، سیر تحولات نوشتار زنانه در ادوار تاریخی گوناگون را بررسی نماید. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که در طول تاریخ شبه‌قاره زنان بسیاری به خلق و تولید آثار ادبی پرداخته‌اند؛ اما انعکاس و بازتاب مسائل خاص زنان، بویژه در عرصه‌ی احقاق حقوق اجتماعی ایشان به اواسط قرن نوزدهم میلادی باز می‌گردد. با وجود این، فعالیت‌های ادبی در جهت تولید نوشتار زنانه پس از استقلال پاکستان، رشد، گسترش و عمق بیشتری داشته و شاعران و نویسندگان بزرگی همچون: کشور ناهید، فهمیده ریاض، اداجفری، پروین شاکر و ... را به عالم ادبیات معرفی کرده است.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

کلیدواژه‌ها:

ادبیات اردو، نوشتار زنانه، جنبش زنان، جامعه‌شناسی ادبیات، ادبیات پاکستان.

استناد: شیرازی علی احمد؛ چهرقانی رضا و شاهد محمد اقبال. "بررسی تأثیر جنبش زنان پاکستان در ادبیات زنانه‌ی اردو". پژوهش ادبیات معاصر جهان ۲۷، ۲، ۱۴۰۱،

۱۱۲۹-۱۰۹۵

DOI: <http://doi.org/10.22059/jor.2021.320189.2120>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

پس از دوران نوزایی در اروپا و همگام با ورود غرب به ساحت مدرنیته، به تدریج توجه به مسأله‌ی زن و برابری حقوق اجتماعی زن و مرد به یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع و بانوان تحول‌خواه این سامان بدل گردید تا جایی که با گذار از ساختارهای سیاسی خودکامه و استقرار دموکراسی در این کشورها، موضوع حق رای زنان، طی سالیان دراز به یکی از مطالبات جدی بانوان در این ممالک بدل شد و مبارزات بسیار برای استیفای حقوقی که امروز مسلم و طبیعی تلقی می‌گردد، صورت گرفت. با عنایت به تفاوت ماهوی دنیای تکلیف‌محور سنت و جهان حق‌محور مدرن، زنان این عصر، همواره در صدد رسیدن به حقوق انسانی و اجتماعی فراموش یا نادیده انگاشته شده‌ی خود هستند و از ابزارهای گوناگون، برای تبیین وضعیت تاریخی خویش، آگاهی بخشی به جامعه و مبارزه با هرگونه تبعیض ناروا علیه زنان سود می‌جویند. در طول تاریخ نه چندان طولانی جنبش‌های زنانه در اروپا، یکی از ابزارهای کارآمد در پیگیری مطالبات و تبیین اهداف و آرمان‌های این جنبش‌ها، هنر و در راس آن ادبیات بوده است. دامنه‌ی این مبارزات در آغاز قرن بیستم به شرق و کشورهای آسیایی و اسلامی هم رسید و در جوامع شرقی نیز زنان کوشیدند تا از طریق انعکاس دغدغه‌های اجتماعی خویش در آثار ادبی، اهداف و آرمان‌های این جنبش جهانی را با رویکردی غالباً اسلامی، پیگیری نمایند. در این میان به شهادت تاریخ، پاکستان، یکی از کشورهایی است که زنان مسلمان آن همواره به دنبال ایفای نقشی مؤثرتر و پررنگ‌تر در جامعه مردسالار خود بوده‌اند و با همین انگیزه، کوشیده‌اند تا با روش‌ها به اهداف اجتماعی خود نائل شوند. یکی از روش‌های استفاده شده در این مسیر، به خدمت گرفتن ادبیات خلاق، اعم از شعر و نثر، برای آگاهی بخشی به جامعه‌ی زنان پاکستان و مطالبه‌ی حقوق اجتماعی در جامعه‌ی مردسالار این کشور بوده است؛ از این رو شاید بتوان حرکت فراگیر تعداد قابل توجهی از زنان شاعر و نویسنده‌ی پاکستانی برای رسیدن به این هدف را امروز به عنوان جنبش ادبی زنانه در زبان و ادبیات اردو معرفی نمود. این جنبش که طیف نسبتاً وسیعی از ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی را آئینه‌داری می‌کند؛ دارای رنگ‌های گوناگون بوده و در مسیر تاریخی خود تحولات مختلفی را از سرگذرانده و شاعران و نویسندگان متعددی در آن نقش داشته‌اند. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش بر آن است تا با روشی علمی، زمینه‌های شکل‌گیری، رنگ‌ها و گونه‌های مختلف و بسترهای ایدئولوژیک و گفتمانی و همچنین تحولات تاریخی جنبش‌های ادبی زنانه را در زبان اردو و کشور پاکستان بررسی و تحلیل نماید.

پرسش‌های اصلی پژوهش

با توجه به مسأله‌ی بنیادین پژوهش، این مقاله کوشیده است تا به پرسش‌های زیر پاسخ گوید:

- جنبش زنان در پاکستان از آغاز تا کنون چه تحولاتی را از سرگذرانده است؟
- ارزیابی پیشینه‌ی نوشتار زنانه در ادبیات اردو چه نتایجی را به دست می‌دهد؟
- کدام نویسندگان و شاعران زن در ادبیات اردو صاحب نوشتار زنانه و واجد دغدغه‌ی حقوق اجتماعی زنان بوده‌اند؟

پیشینه و روش پژوهش

اگرچه تاکنون اثری با موضوع این پژوهش منتشر و نمایه نشده است، موارد زیر نزدیک‌ترین پژوهش‌ها به موضوع تحقیق در این مقاله به شمار می‌روند:

یزدان منش، وفا. (۱۳۹۶). «سهم زبان اردو در همگرایی مسلمانان»؛ پژوهش‌نامه تاریخ و تمدن اسلام، سال پنجاهم، شماره ۱، ص ۱۴۱-۱۵۶. نویسنده در این مقاله صرفاً ساختار و سهم زبان را در همگرایی مسلمانان شبه‌قاره بررسی کرده و در زمینه‌ی فمینیسم و جنبش‌های زنانه در شبه‌قاره اظهار نظری نکرده است. زیدی، اسکندر عباس. (۱۳۸۸). «بررسی اجمالی شعر معاصر فارسی و اردو از نظر شکل و محتوا»؛ تهران: فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۸، صص ۱۴۲-۱۶۴. نویسنده‌ی این مقاله فقط شعر معاصر فارسی و اردو را بررسی کرده است و به موضوع شعر زنانه یا جنبش ادبی زنانه در ادبیات اردو هیچ تحلیلی انجام نداده است. ماریه عمر. (۲۰۱۶م). «مشترکات و تبادلات زبان فارسی و اردو»؛ لاهور: آناهیتا، شماره ۳، صص ۷۵-۸۴. مقاله‌ی فوق‌الذکر، مقاله‌ای است که نویسنده در آن فقط مشترکات و تبادلات و به عبارت واضح‌تر پیوندها و ارتباطات زبان فارسی و زبان اردو را بررسی نموده است. کیومرثی جرتوده، محمد (۱۳۸۹). «بررسی نهضت رئالیسم در داستان‌های کوتاه فارسی و اردو (نگاه اجمالی و مقایسه‌ای)»؛ تهران: پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۷۵-۸۶. این مقاله تنها به موضوع رئالیسم پرداخته و متعرض بررسی جنبش‌ها یا نهضت‌های ادبی در پاکستان نشده است. غلام‌حسین‌زاده، غلام‌حسین و دیگران، (۱۳۹۱). «سیر ادبیات زنان در ایران از ابتدای مشروطه تا پایان دهه هشتاد»؛ تهران: تاریخ ادبیات، شماره ۷۱، صص ۱۹۹-۲۱۲. این مقاله سیر ادبیات زنان در ایران را بررسی و تحلیل نموده و هیچ تحلیلی درباره ادبیات زنانه در زبان اردو و

پاکستان در مقاله دیده نمی‌شود. یزدان‌منش، وفا، (۲۰۰۹م). «فارسی اور اردو شاعرات کے فکری اشتراکات»؛ لاهور: سفینه، شماره ۷، صص ۱۷۴-۱۸۶. این مقاله مشابهت‌های مضمونی و اشتراکات فکری را در شعر بانوان شاعر فارسی زبان؛ مانند سیمین بهبهانی، فروغ فرخزاد و فاطمه راکعی با بانوان شاعر اردو زبان؛ مانند ادا جعفری، پروین شاکر و زهرا نگاه، بررسی و تحلیل نموده و موضوع مقاله‌ی پیش‌رو؛ یعنی پیوند و ارتباط جنبش زنان پاکستان و ادبیات زنانه‌ی اردو، در حیطه‌ی پژوهش فوق‌تر قرار نداشته است. یزدان‌منش، وفا، (۱۳۹۱). «جستاری بر سرآغاز رمان‌نویسی در ادبیات اردو»؛ تهران: پژوهش ادبیات معاصر جهان، شماره ۳، دوره ۱۷، صص ۱۵۷-۱۸۶. این مقاله که در خصوص دوره‌ی آغازین رمان‌نویسی در ادبیات اردو است، سه رمان‌نویس پیش‌تاز در ادبیات اردو؛ یعنی مولوی نذیر احمد، عبدالحلیم شرر و رتن نات سرشار را معرفی و آثارشان را بررسی و تحلیل کرده است. این مقاله، به اختصار فعالیت‌های مولوی نذیر احمد در زمینه‌ی آموزش زنان از طریق تألیف رمان را مورد اشاره قرار داده است. معصومی، محسن، وفا یزدان‌منش و سعید شیرازی، (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه سلطان جهان بیگم در نوسازی آموزش زنان مسلمان هند»؛ تهران: مطالعات تاریخ اسلام، شماره ۴۶، سال دوازدهم، صص ۱۵۳-۱۷۴. در مقاله‌ی نامبرده، صرفاً خدمات یکی از بانوان شاخص پاکستان؛ یعنی سلطان جهان بیگم در زمینه‌ی آموزش زنان طرح و بررسی شده و مطالبی نیز به اجمال در باب تاریخچه‌ی فعالیت‌های زنان پاکستان ذکر شده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون هیچ اثری در خصوص موضوع این تحقیق منتشر و نمایه نشده است و این مقاله که مستخرج از رساله دکتری در زمینه تحلیل تطبیقی جامعه‌شناسی شعر زنانه در ایران و پاکستان می‌باشد، نخستین پژوهش در این زمینه است.

روش تحقیق

این تحقیق پژوهشی نظری است که کوشیده است با تکیه بر اسناد و منابع مکتوب، به روش توصیفی-تحلیلی موضوع پیوند جنبش‌های اجتماعی زنان در کشور پاکستان و ادبیات زنانه‌ی اردو را از منظر جامعه‌شناسی ادبیات بررسی و تحلیل نماید. دامنه‌ی این تحقیق مجموعه‌ی ادبیات زنانه‌ی اردو را اعم از نظم و نثر، در بر می‌گیرد و ملاک انتخاب آثار بررسی شده از نویسندگان و شاعران پاکستان نیز میزان اقبال مخاطبان در داخل و خارج از کشور، بر اساس معیارهای پیرامتن و فرامتنی؛ همچون تیراژ کتاب‌ها و مجموعه‌ها، تعداد ترجمه، توجه منتقدان و ... بوده است.

تعریف مفاهیم اصلی پژوهش

جامعه‌ی انسانی همواره در حال تغییر و تحول بوده است؛ اما به نظر می‌رسد تحولات اجتماعی در دوران مدرن از تمام ادوار تاریخی پیشین پرشتاب‌تر و عمیق‌تر است. به همین دلیل در چند دهه‌ی اخیر، جنبش‌های زنانه، پیوسته در حال رشد و گسترش بوده و تأثیر خود را در تمامی عرصه‌ها، از جمله ادبیات بر جای گذاشته‌اند تا آنجا که امروز با میراثی از آثار ادبی مواجه هستیم که واجد ویژگی‌ها و مختصات شکلی و محتوایی زنانه هستند و به عنوان نوشتار زنانه شناخته می‌شوند لذا گهگاه در نشریه‌ها، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات ادبی، با اصطلاح سبک نوشتار زنانه مواجه می‌شویم؛ اما پیش از پرداختن به ایضاح این اصطلاح که کلیدی‌ترین واژه‌ی پژوهش پیش رو به حساب می‌آید، لازم است برای رعایت توالی تاریخی، نخست مفهوم «جنبش ادبی» را توضیح دهیم.

جنبش ادبی

جنبش که به زبان ساده به آن حرکت و نهضت نیز گفته‌اند، انواع گوناگونی؛ مانند جنبش اجتماعی، جنبش سیاسی، جنبش دینی، جنبش ادبی و ... را در بر می‌گیرد. کادن در فرهنگ اصطلاحات ادبی، جنبش ادبی را اینگونه تعریف کرده است:

“Movement A term commonly applied to a trend or development in literature. The Pleiade (q.v.), for instance, by dint of their innovations in poetry constituted a movement. (Cuddon 405)

جنبش اصطلاحی است که معمولاً برای مفهوم روند یا تحول در ادبیات به کار می‌رود. به عنوان مثال: پلثیاد، با نظر به نوآوری‌های آنها در شعر یک جنبش محسوب می‌شود. و در جای دیگر می‌گوید:

“Movement the, A term applied to a tendency rather than a movement which A became apparent in the word of a number of British poet in the 1950s. It was a tendency towards traditionalism in form and also towards empiricism. Some of the main poets associated with the so-called Movement were Kingsley Amis, Donald Davie, Thom Gunn, Elizabeth Jennings, Philip Larkin and John Wain. A representative selection of their work was published in Robert Conquest’s anthology New Lines (1956). (Cuddon 405)

بنابراین می‌توان جنبش ادبی را به زبان ساده این‌گونه تعریف کرد: اصطلاح جنبش ادبی، در مقابل تقسیم‌بندی آثار ادبی بر اساس ژانر یا دوره، به آن دسته از آثار ادبی که دارای ویژگی‌های مشابه فلسفی، سیاسی یا زیبایی‌شناختی باشند، اطلاق می‌گردد. جنبش‌های ادبی با ویژگی‌های

مشترکی در سبک، موضوع و ژانر ادبی شناخته می‌شوند. این جنبش‌ها معمولاً وقایع جهانی؛ مانند جنگ، تغییر ساختار اجتماعی یا تغییر قدرت را در آینه‌ی آثار ادبی منعکس می‌کنند. درک جنبش‌های مختلف می‌تواند به ما در درک بهتر نویسندگان و آثاری که از آنها لذت می‌بریم، کمک کند و همچنین ایدئولوژی‌های راهنما را به ما ارائه می‌دهد تا بتوانیم برای رشد کار خود از آنها استفاده کنیم. یک جنبش ادبی توسط گروهی از نویسندگان با ایده‌های مشترک با تمرکز بر موارد مختلفی از سبک، محتوا، فلسفه، دغدغه‌های جامعه‌شناختی، هنری، فرهنگی و غیره تعریف می‌شود. نهضت و جنبش ادبی، اصطلاحی کلی برای نویسندگان مختلف (معمولاً در یک بازه زمانی) است که به نوعی، انگیزه‌های مشابه برای نوشتن دارند. معمولاً این نویسندگان، بخشی از یک جنبش در نظر گرفته می‌شوند، زیرا عقاید مشابهی درباره‌ی یک موضوع خاص دارند. به همین دلیل، جنبش‌های ادبی در یک دوره‌ی زمانی، اغلب تحت تأثیر حوادث تاریخی و سیاسی آن دوره است. اصطلاح «جنبش ادبی» به وضوح به جریان یا دورانی اشاره می‌کند که در آن، بسیاری از نویسندگان از الگوی نوشتاری مشابهی پیروی یا از موضوعات یا رویکردهای مشابهی استفاده می‌کنند.

جنبش اجتماعی و جنبش زنانه

«جنبش اجتماعی» نیز اصطلاحی است که «جنبه‌های اصیل، خلاق و پویای زندگی اجتماعی را - در معنای تحرک اجتماعی، دور هم جمع کردن و نیز نوآوری و خلاقیت- بیان می‌کند. به تعبیر دیگر، اصطلاح جنبش اجتماعی «در معنای بسیار متفاوت کار رفته است. غالباً آن را در معنای توصیفی محض، برای مشخص کردن فرایندهای گوناگون؛ مانند جنبش فمینیستی برای اعتلای حقوق زنان، جنبش لغو قانون برده‌داری، نهضت منع فروش مشروبات الکلی و غیره به کار می‌برند.» (بودون و بوریکو ۲۶۲)

«فمینیسم» یا جنبش اجتماعی فمینیستی، جنبشی است که «حقوق مساوی برای زنان را دنبال می‌کند و همچنین تدوین یک ایدئولوژی درخصوص دگرگون‌سازی اجتماعی، که هدف آن، خلق جهانی فراسوی تساوی اجتماعی صرف برای زنان است.» (هام و گمبل ۱۶۳)

جنبش فمینیستی به صورت شکل‌یافته از حدود ۱۵۰ سال قبل در اروپا آغاز و به تدریج در جهان فراگیر شد. این جنبش در دوره‌های مختلف، خواسته‌ها و اهداف گوناگونی را دنبال می‌کرد. اولین موج فمینیستی در سال ۱۸۸۰ م و ۱۹۲۰ م در انگلستان و ایالات متحده با هدف دستیابی به حق رای برای زنان فعالیت می‌کرد. بعد از زوال دوره اول، کم کم موج دوم که برای دستیابی به

حقوق برابر برای زنان فعالیت می‌کرد، آغاز گردید و به بعضی از اهداف خود نیز نائل گشت. «موج دوم فمینیسم در اوایل قرن بیستم و در سال ۱۹۶۰م تا ۱۹۸۰م با کتاب «راز زنانگی» از بتی فریدان^۱ آغاز شد و عواملی؛ مانند تغییرات در وضعیت زنان، تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، سه دسته از عوامل مؤثر در ظهور موج دوم است.» (قاسم‌زاده ۲۲۹) بعد از زوال موج دوم، از ۱۹۸۰م به بعد به تدریج موج سوم، به اوج رسید که فعالیت خود را بر حصول منافع زنان در جامعه متمرکز ساخته بود. در موج سوم بر خلاف موج دوم، فمینیست‌ها بر ظاهر زنانه و رفتار ظریف زنان تأکید ورزیدند. آنها اعتقاد داشتند که باید از خانواده‌ی فرزندمحور و زندگی خصوصی دفاع کرد.

نوشتار زنانه

نوشتار زنانه و زنانه‌نویسی؛ یعنی بر اساس تجربه و نگاه زنانه، ادبیات را جنسی کردن. این سبک بسیار اصرار دارد تا شکل، صدا و محتوایی زنانه خلق کند که جدای از سبک مردانه باشد. در زنانه‌نویسی، شاعر یا نویسنده به منظور شناساندن احساسات زنان، به نوشتن از مشکلات و روحيات خاص زنان می‌پردازد. (فتوحی ۴۰۲) زنان در نگارش وضعیت و تجارب روحی و فیزیکی خود به گونه‌ای عمل می‌کنند که مردان، اغلب قادر به انجام آن نیستند. مثلاً نگارش تجربه‌ی عواطف مادری، آغاز حاملگی، احساس مادر شدن و سقط جنین از جمله تجربه‌هایی است که فقط زنان قادر به نگارش دقیق و صحیح آنها هستند. (۴۰۳)

برخی هم معتقدند که ادبیات زنانه آثاری را شامل می‌شود، که متن ابدایی در آن به موضوع زن و دفاع از حقوق زنان بپردازد. (شاملی ۱۸). نوشتار زنانه را به اختصار می‌توان متنی معرفی کرد که به‌وسیله‌ی زنان، به زبان زنان و برای بیان مسائل و احساسات خاص زنانه نوشته شده‌اند. ظهور نوشتار زنانه در ادبیات جهان اسلام

نخستین زن شاعر در زبان و ادبیات فارسی، که آثار مکتوبی از وی برجای مانده، رابعه بنت کعب بلخی یا قزدراری است؛ اما نخستین شاعر زن ایرانی که بتوان صفت زنانه‌نویس را در مفهوم دقیق کلمه، به وی اطلاق کرد، فروغ فرخزاد است. در ترکیه‌ی عثمانی، فاطمه عالییه خانم (۱۲۸۱-۱۳۵۵ق) نخستین زن مسلمان داستان‌نویس با گرایش فمینیستی است. (مامنت آتیس ۸۲) شاخص‌ترین نویسنده‌ی زن فمینیست عرب نیز نوال السعداوی، طبیب مصری است.

^۱ . Betty Friedan

(داگلاس ۱۰۷) و همین طور در عراق می‌توان از آمنه بنت‌الهدی صدر نام برد که اغلب، داستان‌های کوتاه و اشعاری با درونمایه فمینیستی و زنانه خلق کرده است. غیر از اینها می‌توان چند نام دیگر؛ مانند سلوی بکر و زینب‌الغزالی (هر دو از کشور مصر) را در زمینه تولید نوشتار زنانه در جوامع مسلمان نام برد.

۲. بحث و بررسی

وضعیت زنان شبه‌قاره در دوره گورکانیان هند

زنان در دوران دولت مسلمانان (گورکانیان هند) در زمینه‌های مختلف، سهم قابل توجه و خصوصاً تأثیر فراوانی بر حاکمان داشته‌اند و تاریخ گورکانیان هند پر از داستان‌هایی در خصوص اثرگذاری همسران پادشاهان بر ایشان است که گاه سرمنشاء خدمات فرهنگی ماندگار در دولت ایشان شده است. نویسنده‌ای به نام موخیا در خصوص منابع قدرت امپراطوری گورکانیان هند، سه مؤلفه را برجسته می‌کند:

“The power of Mughal’s emperor; his Army, his Treasury and his 107 Women.” (Mukhia)
(قدرت امپراطور مغول در ارتش، خزانه و زنان اوست.)

در دوران حکومت گورکانیان، تعلق‌نگار خانم، مادر بابر (که زنی تحصیل کرده بود و در دوران کودکی و نوجوانی تأثیر زیادی در زندگی بابر داشت). (بابر ۱۷)، ماهم بیگم، حمیده بانو بیگم، ماهم انگا (دایه‌ی اکبرشاه)، جودا بای یا مریم زمانی، نور جهان و ممتاز محل، دختر آصف خان نمونه‌های برجسته‌ی این زنان هستند که بسیاری از آنها در ادبیات و سایر هنرها تبحر داشتند. (احسن ۳۴۲) گلبدن بیگم، شخصیتی برجسته در تاریخ گورکانیان و دختر بابر است که کتابی به نام همایون‌نامه نوشته است. (۳۴۲) این رساله، روایتی معتبر و معاصر از دوران همایون‌شاه (۱۵۵۶-۱۵۰۸م) است و اوضاع اقتصادی شبه‌قاره را در گذشته‌ی نه چندان دور روشن می‌کند. یکی دیگر از چهره‌های برجسته ادبی، جهان‌آرا بیگم دختر شاه‌جهان است که بانویی فرهیخته و با روحیه و شاعری تواناست و دوبیتی فارسی را که بر روی مزارش نقش بسته، خود سروده است. (واستی ۷۰). زیب‌النساء، دختر اورنگ‌زیب فارسی و عربی را نیک می‌دانست و به عنوان یک خوشنویس متخصص که کتابخانه‌ای غنی فراهم آورده، شناخته شده است. وی همچنین شاعری توانا بود و دیوان شعری به نام دیوان مخفی دارد. (احسن ۳۴۲) او تفسیری هم بر قرآن کریم نوشته است. (findly 49)

جنبش زنان در پاکستان

پیشینه‌ی تشکیل سازمان‌های زنان در پاکستان به شاخه‌ی زنان اتحادیه مسلمانان هندوستان (AIML)، حزبی که نمایندگی مسلمانان هند را در دهه ۱۹۴۰م به عهده گرفت، باز می‌گردد. در زمانی که AIML برای تداوم تقاضای خود برای ایجاد یک کشور مسلمان مستقل، به تعداد قابل توجهی رأی نیاز داشت، جناح زنان AIML محور بسیج کمپین انتخاباتی زنان مسلمان بود. موفقیت چشمگیر این اتحادیه در انتخابات حساس ۱۹۴۵-۱۹۴۶م، مدیون مبارزات پرشور شاخه‌ی زنان و بیش از همه، مدیون هزاران زن مسلمان باحجابی بود که برای اولین بار در زندگی، خود از خانه بیرون آمدند تا در حوزه‌های انتخابیه شهری رأی دهند. (جلال ۸۳)

از آن زمان تاکنون هیچ شکل زنانه دیگری در پاکستان نتوانسته است؛ حرکتی همانند جنبش سیاسی گسترده‌ی رأی زنان، که به رهبری شاخه‌ی زنان AIML در دهه ۱۹۴۰م صورت گرفت، ایجاد نماید. پس از استقلال و مرزبندی جدید کشورهای شبه قاره، چند تن از اعضای AIML برای تشکیل هسته‌ی مرکزی انجمن زنان پاکستان (APWA) در سال ۱۹۴۹م با عضویت عمدتاً نخبگان همکاری کردند. این گروه اغلب از طبقات اجتماعی بالا و زنان سیاسی وصل به قدرت بودند. این گروه از سوی دولت پشتیبانی می‌شد و همراه با تغییر دولت‌ها، ارتباط نزدیکی با دولت مستقر برقرار می‌کرد. ارتباط تنگاتنگ APWA و دولت، این امکان را برای سازمان فراهم ساخت تا بتواند بر سیاست‌های دولت تأثیر بگذارد و بستری برای تعامل میان دولت و زنان ایجاد کند لذا علی‌رغم بحث در باب نحوه‌ی اعمال اقتدار دولت اسلامی، که زنان را به تطبیق خود با اصول رفتار اسلامی ملزم می‌ساخت، هیچگاه، دولت و اعتبار اسلامی آن را به چالش نمی‌کشید. (Gardezi 101)

با استقرار زنان در رده‌های بالای اجتماعی و سیاسی، آنها طبقه‌ی حاکم و موقعیتی را که به عنوان متولی هویت ملی به آنها اعطا شده بود، به چالش کشیدند و از پایگاه اجتماعی خود برای معامله با دولت، به منظور بهبود قوانین مربوط به زنان بهره بردند. اعتبار APWA در وابستگی-های طبقاتی اعضای آن بود که باعث می‌شد تشکلهای زنان، بدون اعتراض ایدئولوژیک به دولت، به وجود بیایند. از سال ۱۹۴۹م تا ۱۹۸۰م شکوفایی گروه‌های زنان در پاکستان، از

APWA تا گارد ملی زنان (که در سال ۱۹۵۴م منحل شد)، فدراسیون زنان دانشگاه، بنیاد پرستاران، باشگاه بین‌المللی زنان و انجمن تنظیم خانواده پاکستان، قابل مشاهده بود. در این دوره، سازمان دموکراتیک زنان، نخستین سازمان سیاسی علنی، متشکل از زنانی بود که در درجه‌ی نخست، از طبقه‌ی متوسط و از خانواده‌های ریشه‌دار سیاسی با گرایش چپ بودند. (هارون ۱۸۰) جبهه‌ی متحد دموکراتیک در سال ۱۹۵۵م، مبارزه برای اصلاح قانونی حقوق زنان را رهبری کرد. APWA به این مبارزه پیوست و صدای خود را به مطالبه‌ی تشکیل کمیسیون اصلاحات قانونی افزود. در قانون اساسی سال ۱۹۵۶م، حق نمایندگی زنان در کنار حق رأی، به رسمیت شناخته شد؛ اما به دلیل کودتای نظامی فیلد مارشال ایوب خان در سال ۱۹۵۸م هیچ انتخاباتی بر اساس این قانون اساسی برگزار نشد و حق رأی مضاعف، هرگز تحقق نیافت و در دهه‌ی ۱۹۸۰م توسط مجمع اقدام زنان (WAF) مجدداً پیگیری شد. نکته مورد توجه گروه-های زنان در طول دولت ایوب، آزادسازی قوانین خانواده در سال ۱۹۶۱م است که به تدوین تدریجی قانون حقوق زنان متأهل منجر گشت. (همان) حکومت نظامی ایوب، زنان را به سمت رفاه اجتماعی هدایت و انرژی خود را در اجرای برنامه‌های رفاهی و مدنی متمرکز ساخت. در سال ۱۹۶۷م گروه‌های بیشتری از زنان، از جمله انجمن بهبود و باشگاه سوروپتومیسست تشکیل شد. انجمن اخیر بسیار مهم بود زیرا برخلاف سایر گروه‌های زنان آن زمان، توسعه سیاسی زنان را از طریق آموزش، برنامه‌ریزی شغلی و فعالیت‌های حرفه‌ای دنبال می‌کرد. (Shaheed &

Warraich 276)

دولت ذوالفقار علی بوتو در دهه ۱۹۷۰م خبر از بهبود وضعیت حقوق زنان داد. در سال ۱۹۷۲م به زنان فرصت‌های برابر در خدمات کشوری تعلق گرفت. «بیگم رعنا لیاقت علی» به عنوان فرماندار سند و «بیگم کنیز یوسف» به عنوان معاون دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد منصوب شدند. در همان زمان، پست‌های مدیریت خارجی و منطقه‌ای از طریق خدمات کشوری برای زنان باز شد. (Haroon 181) قانون اساسی ۱۹۷۳م، ماده ۲۵ و ۲۷، پایان تبعیض جنسیتی را اعلام کرد. رویدادهایی؛ مانند سال بین‌المللی زنان، بخشی از آگاهی ملی شد. در ژانویه

۱۹۷۶م، یک کمیته ۱۳ عضوی حقوق زنان، به منظور پیشنهاد اقداماتی برای بهبود و تسهیل شرایط اجتماعی، حقوقی و اقتصادی زنان تشکیل شد و در اکتبر همان سال، دولت اعلامیه‌ی حقوق زنان در پاکستان را منتشر کرد. (Shaheed & Warraich 276)

حکومت نظامی ژنرال ضیاءالحق از ۱۹۷۷-۱۹۸۸م به عنوان ضعیف‌ترین دوره‌ی تاریخی از منظر تحقق حقوق زنان در پاکستان تلقی می‌شود. (Gardezi 52)

قوانین مربوط به شهادت، قصاص و دیه نیز در طی دهه‌ی ۱۹۸۰م توسط دولت نظامی ضیاءالحق با تأثیر شدید بر حقوق زنان، اجرا شد. این قوانین، اثبات جرم تجاوز به عنف را دشوار می‌کنند و قربانیان تجاوز را در معرض خطر اتهام زنا قرار می‌دهند و ارزش یک زن و شهادت او را در برخی موارد به نصف یک مرد می‌کاهند.

همچنین برای توجیه دستورالعمل‌های مختلف دولت در مورد لباس زنان، طرحی برای ایجاد دانشگاه جدا برای زنان و ممنوعیت نانوشته‌ی حضور زنان در ورزشگاه، به عنوان تماشاگر ارائه شد. (همان) بنابراین، قانون حدود (۱۹۷۹م) و قانون شهود (۱۹۸۴م)، ستون فقرات رنسانس اسلامی ضیا را تشکیل می‌داد. این جنس از نوزایی، اثرات سوئی بر حیات اجتماعی زنان داشت که هویت زنان را هدف گرفته بود و نگرانی جدی این بود که این مجازات‌ها به منظور اعمال تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. (جهانگیر و جیلانی) بنابراین جای شگفتی نیست اگر در دهه‌ی ۱۹۸۰م جنبش زنان در پاکستان تحت هدایت WAF به حرکت درآمد. در آغاز این دهه؛ یعنی در سال ۱۹۸۱م، گروه‌های زنان شهری، به دلیل نیاز به حفاظت از خود، برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن وضعیت زنان، مجموعه‌ای تشکیل دادند. این مجموعه WAF نام-گذاری و به سازمان چتر گروه‌های زنان تبدیل شد.

مشهودترین تفاوت در WAF و سایر تشکل‌های زنان در آن زمان این بود که WAF مستقیماً با برپایی تجمعات اعتراضی و به طور غیرمستقیم از طریق ابزارهای تولید فرهنگی، بویژه ادبیات اعم از شعر و نثر، در برابر برتری‌جویی دولت مقاومت کرد. فعالیت‌های WAF توسط زنان حرفه‌ای از جمله وکلا، معلمان، دانشمندان اجتماعی و اقتصادی، روزنامه‌نگاران، زنان

تاجر، مددکاران اجتماعی، هنرمندان، اتحادیه‌های صنفی و کارگران طبقه‌ی متوسط انجام شد. (Shaheed & Warraich 297)

دهه ۱۹۸۰م همچنین دهه‌ی مهمی برای زنان در یک زمینه بین‌المللی بود، زیرا دهه‌ی زنان سازمان ملل متحد بود. این امر یک بررسی بین‌المللی خارجی در امور ملی و داخلی دولت را به همراه داشت. دولت ژنرال ضیاءالحق با ایجاد یک واحد زنان، برای رسیدگی به امور بانوان پاکستان به این فشارهای خارجی پاسخ داد. شگفت‌تر آنکه در سال ۱۹۸۳م، دولت، کمیسیونی در مورد وضعیت و مشکلات زنان تشکیل داد که اعضای آن سیزده زن و سه مرد بودند. آنها در سال ۱۹۸۵م گزارش مفصلی درباره وضعیت زنان ارائه دادند. (۸۰-۲۷۹) از دهه ۱۹۸۰م به بعد چندین تشکل زنانه دیگر یا به صورت گروه‌های مستقل یا به عنوان NGO تشکیل شدند. (Rouse 31-29) انیس هارون در مطالعه‌ی خود در خصوص جنبش زنان روستایی، جنبش زنان سند (سندیانی تحریک) را به عنوان یکی از بزرگترین گروه‌های سازمان یافته زنان در پاکستان که در شهرها و روستاهای استان سند فعالیت می‌کرد، متمایز می‌سازد. سندیانی تحریک، زنان را از طریق مبارزات خانه به خانه بسیج کرد و کوشید به آنها بیاموزد که چگونه مشکلات فردی خود را به عنوان زن با اقدامات مثبت حل کنند. همچنین مواردی؛ از قبیل آموزش، بهداشت، فروش زن و نوزاد و کاروکاری (قتل‌های ناموسی زنان و مردان) را مطرح کرد. (هارون ۱۸۴). این گروه‌های کوچک جدید، صفحات تازه‌ای از مبارزات زنان در پاکستان را فراتر از گروه ممتازی که جنبش را در گذشته هدایت می‌کردند، باز کرد. (Rouse 30-29)

۳-۳. تاریخچه نوشتار زنانه در ادبیات اردو

درباره‌ی نخستین زن شاعر در زبان اردو دو نظر وجود دارد: طبق نظر بعضی پژوهشگران، لطف‌النساء نخستین زن شاعر در زبان اردو است که دیوانش در سال ۱۷۹۶م ترتیب یافت. و برابر نظر برخی دیگر از پژوهشگران، نخستین زن شاعر، مه‌لقا چندابائی است که دیوانش در سال ۱۷۹۸م گردآوری گردید؛ اما واقعیت این است که در زبان اردو، نوشتار زنانه از سال‌ها قبل آغاز شده بود. در این خصوص می‌توانیم به سه تذکره‌ی مهم که در باب زنان نوشته شده اشاره کنیم: «بهارستان ناز» نوشته شده در ۱۸۶۴م به قلم فصیح‌الدین رنج، «شمیم سخن» (۱۸۸۲م) از

عبدالحی صفا و «چمن‌انداز» (۱۸۷۸م) از درگا پرشاد نادر. در این تذکره‌ها ترجمه و شرح حال زنان شاعری آمده است که یا از خاندان پادشاهی بودند یا از طبقه‌ی رامشگران. زنان عادی یا زنانی از طبقات متوسط که شعر بسرایند در تذکره‌های مذکور دیده نمی‌شوند چرا که در آن دوره، زنان خانواده‌های متوسط و عادی، شعر نمی‌سرودند و این کار در نزد مردم عادی، مایه‌ی ننگ به شمار می‌آمد.

هنگامی که سلطه‌ی انگلیس بر شبه‌قاره تثبیت شد، در کنار مجلات و نشریات عمومی یا مجلاتی که برای مردان چاپ می‌شد، انتشار نشریاتی ویژه‌ی بانوان نیز آغازگشت که تعدادی از آنها عبارتند از: «تهذیب الاخلاق» با سردبیری سرسید احمد خان، «تهذیب نسوان» با مدیریت ممتازعلی و همسرش (محمدی بیگم)، مجله «عصمت» و مجله «بنات» با اهتمام راشدالخیری و غیره؛ اما لازم به ذکر است که در این مجله‌ها، زنان نویسنده اغلب اسامی حقیقی خود را مخفی می‌کردند و به جای نام اصلی، از اسم مستعار یا مخفف در نوشتارشان استفاده می‌کردند؛ مثلاً در بعضی مجله‌ها دیده می‌شود که نویسنده‌ای خود را زخ-ش معرفی کرده که امروز مشخص شده است، مراد از زخ-ش زاهده خاتون شروانیه بوده است.

زنان برخاسته از خانواده‌های متوسط، از این طریق وارد ادبیات شدند و تدریجاً به ایفای نقش اجتماعی خود پرداختند. در همین زمان چند داستان به قلم زنان نوشته و منتشر شد که به جای نام واقعی، نویسنده از نام مستعار استفاده کرده بود؛ مانند الف-ض حسین بیگم با نام مستعار روشنگر بیگم، عباسی بیگم با نام مستعار زبیده بیگم، طیبه بیگم با نام مستعار انوری بیگم و اورب سدید با نام مستعار بیاض سحر.

در این دوران، بعضی نشریات، جنبش سوادآموزی زنان را شروع کردند و تا حدودی نتیجه هم گرفتند؛ مثل «معلم» (۱۸۸۴م) از شهر دکن به سردبیری محب حسین، «خاتون» از شهر علیگر به سرپرستی شیخ عبدالله و همچنین «شریف بی‌بی» (۱۹۰۹م) از لاهور، «الحجاب» از شهر بوپال و «زیب‌النساء» به سردبیری صغرا همایون مرزاحیا و غیره.

نذیراحمد دهلوی، نخستین داستان‌نویسی است که در زمینه‌ی ناول‌نویسی تخصص داشت و نخستین نویسنده‌ای است که در باب ضرورت باسوادشدن بانوان قلم زده است. «وی اولین نویسنده‌ای بود که داستان را براساس واقع‌گرایی استوار کرد و اولین گام خود را در این میدان با هدف آموزش زنان با تالیف «مرءة العروس» برداشت.» (یزدان‌منش ۱۶۰) وی در «مرءة العروس» و «بنات‌النقش»، دو اثر داستانی خویش، این موضوع را مطرح کرد و در همین عصر،

نویسنده‌های دیگر؛ مانند سرشار و شرر هم در نوشته‌های خود، موضوع سوادآموزی زنان را جای دادند. داستان‌های شرر جنبه‌ی تاریخی دارند؛ اما در داستان «بدرالنساء کی مصیبت» درباره‌ی اصلاح زنان و سختگیری‌های بی‌جا در باب زنان سخن گفته و به خاطر فقدان آزادی زنان خروشیده است. وی در داستان‌های بدرالنساء کی مصیبت (مصیبت بدرالنساء) (۱۹۰۱) و آغا صادق کی شادی (ازدواج آغا صادق) (۱۹۰۸)؛ مخالفت خود با حجاب مرسوم زنان مسلمان در آن دوره را به تصویر کشیده است. (۱۶۸)

در خصوص آموزش زنان، الطاف حسین حالی، کتابی به نام «مجالس النساء» تحریر کرد و همچنین در سال ۱۸۷۰م در یک کنفرانس؛ منظومه‌ای به نام «چپ کی داد» (=تحسین سکوت) خواند و در آن، اوضاع اجتماعی و تعلیم و تربیت زنان را به خوبی و همراه با دردمندی به تصویر کشید. افزون بر این، افرادی؛ مانند ذکاءالله، مولوی چراغ‌علی، محسن‌الملک، شبلی نعمانی، سجاد حیدر یلدرم و مردان روشنفکر دیگر هم در موضوع حقوق زن مقاله‌ها، یادداشت‌های روزنامه‌ای و مطالب بسیاری به نگارش درآوردند و سلطان جهان بیگم از بوپال برای پیشرفت علمی زنان، سه مدرسه به نام «مدرسه وکٹوریہ»، «مدرسه بلقیسیه» و «مدرسه سلطانیه» را تأسیس نمود. (ثمر فضل ۸۱۱) سلطان جهان بیگم افزون بر تأسیس مدارس فوق، فعالیت‌های دیگری نیز در راستای آموزش زنان به نام خود ثبت نمود که تأسیس مدرسه فنی و حرفه‌ای اصفیه، مدرسه پرستاری زنانه میتنو، کانون زنانه شاهدخت ولز از آن جمله است. (معصومی و دیگران ۱۶۴-۶۵)

در نتیجه‌ی جنبش زنان در شبه قاره، یک تشکل علمی زنانه به وجود آمد و فعالیت خود را آغاز نمود؛ اما به دلیل نبود بسترهای مناسب سیاسی-اجتماعی در آن زمان، این فعالیت بسیار محدود بود و بدون آنکه متعرض نقد جامعه‌ی مردسالار پاکستان شود اهداف خود را که بیشتر در دایره‌ی تعالیم اسلامی تعریف می‌شد، دنبال می‌نمود. در همین دوره بود که زنان به جای شعر به نثر گراییدند و در زمینه نثر، آثار بسیاری را خلق کردند. اگرچه این فعالیت را نمی‌توان جنبشی زنانه قلمداد کرد؛ اما همین فعالیت‌ها موجب شد که بعدها جنبش زنان در شبه قاره فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز نماید.

بانوان زیادی در این دوره قلم خود را برای خلق آثار منثور به کار گرفتند؛ مانند رشیدة النساء، محمدی بیگم، نذر سجاد، حمیده بانو، مسز عبدالله سلطان بیگم، عطیه فیضی، صغری همایون، کنیز فاطمه، خجسته اصغر، -ض حسن بیگم، بیگم شاهنواز، طیبه بیگم، ضیاء بیگم، صالحه

عابد حسین و غیره که نویسندگان فوق، اغلب در زمینه‌ی نثر داستانی/خیالی یا به تعبیر اردو «افسانوی» معروف‌اند.

در همین دوره زنان شاعر نیز به سرودن شعر می‌پرداختند که برخی از آنها را که می‌توان نامبرد ازین قرار است: زخ-ش (زاهده خاتون شروانیه)، مسز دی برکت رائی، خدیجه بیگم، منجهو بیگم، رابعه پنهان و غیره. در آن زمان که جامعه فاقد پیشرفت فکری بود، شاعران زن نخستین گام را بر خلاف رویکرد مرسوم در جامعه‌ی مردسالار پاکستان برداشتند و همین هنجارشکنی یا به تعبیر اردو «بغاوت» بعدها به یک جنبش و حرکتی اجتماعی تبدیل شد.

رشیده جهان یکی از بانوانی است که در زمینه‌ی درام، مضمون‌نویسی، افسانه‌نگاری و غیره فعالیت می‌کرد و نخستین کتاب خود را با نام «عورت اور دوسرے افسانے» (زن و افسانه‌های دیگر) در سال ۱۹۳۷م به چاپ رسانید. با توجه به وسعت دامنه‌ی نگارش و درون‌مایه‌ی آثار، شاید بتوان رشیده جهان را آغازگر جنبش زنانه‌نویسی در شبه قاره محسوب کرد. او در داستان‌های خویش برای زنان و مردان اصول جداگانه‌ای مطرح کرده و بیشتر از حقوق زنان دفاع می‌کند. (بانو ۳۵۲) با وجود این، در جنبش ادبی زنان اردو زبان، اولین صدای آشکار فمینیسم را عصمت جغتایی بلند کرد. او از لحاظ لحن، آهنگ و روش نوشتاری، فمینیستی خالص است و نوشته‌های او در ادبیات اردو، اولین تجربه فمینیسم واقعی به شمار می‌رود. همین روش را بعدها در نوشته‌های ذکیه مشهدی، خدیجه مستور، هاجره مسرور، ممتاز شیرین، جیلانی بانو، بانو قدسیه، فرخنده لودی، رضیه فصیح احمد، بشری رحمن، زاهده حنا و صغرا مهدی مشاهده می‌کنیم.

۳-۴. ادبیات اردو قبل از استقلال پاکستان

بسیاری از نویسندگان و فعالان قرن نوزدهم آسیای جنوبی، موضوع زنان را به عنوان موضوعی اصلی در دستور کار اصلاحات فرهنگی قرار داده‌اند و نظام اجتماعی-سیاسی را از طریق رسانه‌های چاپی تازه ارائه شده به تصویر کشیده‌اند. گل حنا استدلال می‌کند که روزنامه-نگاری اردو، ابزاری پویا برای ترغیب عوام به آموزش زنان است تا بتواند آنها را با شرایط سیاسی-اجتماعی تغییر یافته‌ای که بر ساختار سنتی خانواده تأثیر گذاشته است، مواجه سازد. توسعه‌ی این ادبیات جدید با تمرکز بر زنان مسلمان، به ظهور زبان اردو در مقام زبانی مشترک اشاره داشت. همچنین این زبان به وسیله‌ای برای آموزش زنان تبدیل شد و کتاب‌ها و مجلات مختلف را که منجر به تأسیس مؤسسات و نهادهای آموزشی در این منطقه شد، منتشر ساخت. به

همین دلیل، ادبیات اردو با موضوع تمرکز بر زنان در نیمه دوم قرن نوزدهم، همچنین به ما کمک می‌کند تا جنبه‌های مختلف فرهنگ‌های مختلف محلی، آداب و رسوم، اصطلاحات منطقه‌ای، ضرب‌المثل‌ها و مثل‌هایی را که اساس زبان محلی را تشکیل می‌دهند، از طریق زبان محلی که فقط توسط زنان استفاده می‌شود، شناسایی کنیم. این نوشته‌ها همچنین بر ظهور زن مسلمان طبقه‌ی متوسط جامعه در جایگاه یک بانوی نویسنده‌ی حرفه‌ای تأکید دارد.

(Gul-i-hina 460)

خلاصه اینکه با ابتکار نویسندگان پیشگام زن در زبان اردو، که با مشکلات مختلف زنان در این جامعه روبرو بوده و آن را در آثار ادبی خویش انعکاس می‌دادند؛ میزان آگاهی زنان افزایش یافت و حتی برخی از آنها برای تحصیلات عالی به خارج از کشور رفتند و از نظر حرفه‌ای، در کسوت زنان تحصیل کرده و متجددی ظاهر شدند که همچون حجاب امتیازعلی، نخستین خلبان زن مسلمان که نه تنها قادر بود هواپیما را به پرواز درآورد، بلکه موفق شد، رمان‌هایی بنویسد و با خلق شخصیت‌های گوناگون و ارائه تصویری تازه از زن مسلمان آسیایی به زنان این حوزه‌ی فرهنگی و جغرافیایی، در بستر مدرنیسم و سیستم آموزشی جدید، اعتماد به نفس بیخشد. او در داستان‌هایش رسوم کهنه‌ی جامعه و خرافه‌پرستی را نقد و فریاد خود را بر ضد تبعیض و بی‌عدالتی زندگی زناشویی زنان در پاکستان بلند کرده است. (جهان ۷۴) از این رو داستان‌های وی همواره هدفمند و دارای پیام و بازتاب معضلات و مشکلات جامعه است. (۷۶) شخصیت‌های متعدد مؤنث که در آثار داستانی ادبیات معاصر اردو حضور دارند، طعم جدیدی را در تاریخ ادبیات اردو ارائه کرده‌اند که اگر بخواهیم این موضوعات را در متن ادبیات اردو مورد بحث قرار دهیم، باید بیش از هر چیز از تقابل نقش‌های سنتی و مدرن جنسیتی یاد کنیم.

در سال ۱۹۹۸م، ادبیات زنانه‌ی اردو به سن ۲۰۰ سالگی رسید. (طارق ۱۶۱) در این دو قرن، ادبیات اردو پیشرفت بسیاری کرده و روشن است که به غیر از مردان، زنان در پیشرفت ادبیات اردو نقش مهمی داشته‌اند؛ این نویسندگان که زبان و ادبیات اردو را در خصوص حقوق، تحصیلات و آزادی زنان به سخن واداشتند، از موقعیتی استثنایی برخوردار شدند و افزون بر درونمایه‌ی آثار، خود با عمل حرفه‌ای خویش، نقش‌های سنتی تعیین شده را برای جنس زن و مرد در جامعه‌ی مردسالار پاکستان، رد کردند. (امبر ۳۶۸)

از جمله مردانی که در جهت احقاق حقوق زنان در ادبیات اردو قلم زده‌اند؛ سجاد حیدر یلدرم است. او از جمله اولین نویسندگان اردو است که هدف ایجاد برابری اجتماعی برای زنان پاکستان

را دنبال می‌کند. در داستان‌های او، زنان از نقش‌های تعیین شده جنسیتی خود سرپیچی می‌کنند، دوره‌های تحصیلات مدرن را می‌گذرانند و در تجمعات شرکت می‌نمایند. (روبینا و دیگران ۱۵۳) شاید او این ایده‌ها را از همسرش نذر سجاد حیدر گرفته است که رمان‌هایی را با محوریت شخصیت‌های زن نوشت که نقش‌های جنسیتی توصیه شده را رد می‌کردند.

وقتی نوبت به شورش در برابر انتظارات جنسیتی می‌رسد، هیچ نامی مهمتر از عظیم بیگ چغتای نیست. او زنان را به شکلی جدید شخصیت‌پردازی کرد. زنان آثار وی در دنیای زیبایی، مبتنی بر برابری جنسیتی زندگی می‌کنند و تحصیل کرده، روشنفکر و در کنار مردان در تحولات جامعه سهیم هستند (۱۵۴) در رمان معروف او، «شهبزوری»، زنی بی‌سواد، از طبقات فرودست است؛ اما کاملاً به حقوق خود آگاهی دارد. قهرمان شهبزوری چنان سرسختانه از وضعیت طبقه‌تبار و سلطه‌ی مرد سرپیچی می‌کند که در ادبیات اردو، نظیری ندارد. چنین شخصیت‌هایی که سنت نقش‌های جنسیتی زن و مرد را به هم می‌ریزند، پیش از آن در ادبیات اردو سابقه نداشته است، با یادآوری و تأکید بر این نکته که این اثر ادبی از قلم یک مرد تراویده است.

در پایان قرن نوزدهم، اصلاح النساء، رمانی به قلم رشیده النساء، زنان و مردان را با نقش‌های جنسیتی کمی تحریف شده و با چاشنی شعاری و نمایشی نشان می‌دهد. (تبسم ۹۷-۹۸) اما از ابتدای قرن بیستم، صغرا همایون میرزا، نذر سجاد حیدر، اکبری بیگم (مادر افضل علی)، حجاب امتیاز علی و بسیاری دیگر از نویسندگان زن به میدان آمدند. بسیاری از آنها در روایت‌های خلاقانه خود از نقش‌های تعیین شده جنسیتی سرپیچی و خوانندگان را حیرت‌زده می‌کردند. با انتشار انگاره (گل آتش) جنبش نویسندگان پیشرو اردو آغاز شد و آثار داستانی عصمت چغتای، خدیجه مستور، هاجره مسرور و نام‌های بسیار مهم دیگر را به ادبیات اردو تقدیم کرد؛ علاوه بر افراد یادشده، در مرتبه‌ای فروتر، جیلانی بانو و واجده تبسم نیز در آثار خود، نقش سنتی-جنسیتی زنان در جامعه پاکستان را از هم دریدند.

سهام زنان در استقلال پاکستان

فاطمه جناح و بیگم رعنا لیاقت علی‌خان، از معدود صداهای بی‌واهمه در روزهای تاریک و پر از بیم پیش از استقلال بودند. آنها به اقصابا کشور سفر و در مجالس مختلف سخنرانی و هم به صورت شفاهی و هم از طریق آثار چاپ شده خویش در راه آرمان آزادی و استقلال پاکستان، هم‌گام با مردان فعالیت می‌کردند. غیر از این دو، شائسته اکرام الله از خانواده سهروردی بنگال، برای تحصیل و آموزش زنان فعالیت‌های مؤثری داشت و از رادیو شبه‌قاره هند و رسانه بی‌بی‌سی

انگلستان برای ایشان پیام‌های زیادی منتشر ساخت. (جاوید ۵۱۷) بیگم نصرت هارون، از استان سند که در زاده‌ی کرمان در کشور ایران بود، زندگانی سیاسی خود را از ۱۹۱۹م شروع کرد و در سند به عنوان یکی از مسئولان زن حزب مسلم (مسلم لیگ) به فعالیت خود ادامه داد. او پس از استقلال پاکستان، در نقاط مختلف مدرسه، کالج و یتیم‌خانه‌ی ویژه‌ی دختران تأسیس کرد و تا امروز نیز در سر عبدالله هارون ٹرسٹ (تشکل استاد عبدالله هارون) فعالیت می‌کند. (۱۵۱-۴۴) افزون بر افراد یاد شده زنان دیگری در شبه‌قاره برای بیداری یا آموزش زنان کوشش بسیار کردند که زری سرفراز زرنگار معروف به خاتون سرحد از پیشاور (۲۵۹)، بیگم قاضی عیسی از استان بلوچستان، بیگم محمدعلی جوهر و آبادی بانو بیگم معروف به بی‌اما- مادر مولانا محمدعلی جوهر و مولانا شوکت‌علی جوهر- از اترپردیش (ام‌حبیبه ۸-۱۲) و بیگم سلمی تصدق حسین از راولپندی (جاوید ۲۴۱) از آن جمله هستند.

فاطمه جناح (۳۱ ژولای ۱۸۹۳م- ۹ ژولای ۱۹۶۷م)

فاطمه جناح (مادر ملت) مشهورترین و بی‌حاشیه‌ترین بانوی برجسته در تاریخ پاکستان است. وی به عنوان خواهر کوچکتر محمدعلی جناح (مؤسس و بنیانگذار پاکستان) نقش بسیار مهمی در جنبش پاکستان داشت. او همچنین به سبب مبارزات و کمک به زبان ملی و همراهی با برادرش محمدعلی جناح مشهور است و به مثابه انگیزه‌ای برای زنان پاکستان برای ایفای نقش‌هایی پررنگ‌تر در تحولات اجتماعی این کشور عمل می‌کند.

بیگم رعنا لیاقت‌علی خان (۱۳ فوریه ۱۹۰۵م- ۱۳ ژوان ۱۹۹۰م)

وی اولین استاندار زن مسلمان و اولین نماینده‌ی زن مسلمان در سازمان ملل (UN) بود و در سال ۱۹۳۲م با لیاقت‌علی خان ازدواج کرد. وی همچنین اولین زن مسلمانی است که در سال ۱۹۷۰م جایزه حقوق بشر سازمان ملل را از آن خود نمود. این بانوی درخشان نقش بسیار مهمی در جنبش زنان پاکستان ایفا کرد و پس از ایجاد کشور پاکستان، برای رفاه و پیشرفت زنان این کشور بویژه امر تحصیل زنان سخت تلاش کرد.

۳-۶. زنان شاعر و نویسنده در پاکستان

به طور کلی، در جوامع آسیایی و شرقی، زنان از نظر ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و نقش اجتماعی، فروتر از مردان قلمداد می‌شوند؛ اما با گذشت زمان، نقش زنان در زمینه‌های مختلف زندگی در حال گسترش است و زنان در بسیاری از امور، خود را با مردان هم‌سطح کرده و حتی در برخی زمینه‌ها عملکردی بهتر نسبت به مردان نشان داده‌اند. محمدعلی جناح، بنیانگذار پاکستان، زنان و

مردان را از نظر فراهم آوردن فرصتهایی برای کسب دانش و آموزش برابر دانسته، در سخنرانی خود به مناسبت اولین کنفرانس آموزش، ۱۹۴۷م بر اهمیت برابری جنسیتی در آموزش تأکید می‌نماید. (Khalid and others 426) مددکاری و یاری زنان در تمام زمینه‌های توسعه‌ی کشور پاکستان بویژه زبان و ادبیات اردو کاملاً مشهود است. بدون شک کتاب‌ها، نقش مهمی در ایجاد تصویر زنان در جامعه دارند و در صورت نمایش کارکرد مثبت ایشان، تأثیر مثبتی در نسل جدید ایجاد می‌کنند. (۴۳۱)

ادا جعفری (متولد ۱۹۲۴م) شاعر و نویسنده زن پاکستانی است که اندیشه و تفکر سنتی دارد؛ اما این اندیشه و تفکر اصلاح شده است. او در نوشته‌هایش از تجربیات خود به عنوان همسر و مادر استفاده کرده و موقعیت خانوادگی متزلزل و بی‌ثبات زنان را اینگونه به تصویر کشیده است:

تمام عمر سفر می‌گزارم در دوی خودی
تمام عمر تمنای می‌کنم که ره‌گزر می‌شود

لک‌ها گیا مجھے آواز خامشی کی طرح
خود اپنا عکس بنوں سایہ هنر

می‌شود ره‌وں

وہ تشنگی تھی کہ شبینم کو ہونٹ ترسے ہی
وہ آب ہوں کہ مقید

گہر گہر می‌شود ره‌وں

ادا می‌شود نکہت گل بھئی نہ تھی صبا بھئی نہ تھی
کہ می‌شود مہمان

سی رہوں اور اپن ے گہر می‌شود (جعفری ۱۶۹-۷۰)

ترجمہ:

زندگانی‌ام سراسر در سفر گذشت / و در آرزوی یکی رهگذر / تقدیر من آواز خاموشی بود / و این که چون تصویری از خویش در سایه‌ی هنر قرار گیرم / تشنگی بود؟ یا لب‌ها بی‌قرار شبینمی بودند؟ / من آن قطره آبی هستم که مرواریدوار در بندم / ادا! من نه نکہت گل بودم و نه باد صبا / کہ در خانہ‌ی خویش میبہمان باشم.

وی در جای دیگر وفای مادرانہ‌ی خود را اینگونه بیان کرده است:

می‌شود تمہیں نہ ہیں بھولوں گی
می‌شود کہ فطرتاً ماں ہوں (جعفری)

(۲۳۲)

ترجمہ: تو را از یاد نخواهم برد / چون مرا مادر سرشته‌اند.

وی همچنین به برخورد تبعیض آمیز و عدم نگرش انسانی جامعه نسبت به زن و تقلیل جایگاه زنان به مثابه کالایی جنسی اعتراض می کند. (طاهره ۲۶-۲۷) شعر ادا جعفری به جای تمرکز بر روی زن به عنوان یک ایده آل عاشقانه (نقشی که شعر تاکنون به زن داده است)، هویت زنان را با بهره گیری از ثروت و ازگانی برآمده از جهان نگرى زنانه بازتاب می دهد (بوند شهرداری و سیدرضایی ۵۸). پس از او زهرا نگاه، تلاش کرد تا تمایل به درجه ای از برابری بیان عاطفی در روابط زنان را به تصویر بکشد.

زهرا نگاه، گرچه در چارچوبی به طور کلی مترقی باقی می ماند؛ اما از استثمار خاص زنان در جامعه نیز کاملاً آگاه است. شعر او وجود اسکیزوفرنیک (schizophrenic) زنان را که ناشی از تابوهای اجتماعی است، بررسی می کند. بنابراین، او تلاش می کند تا صدای خود را به زنی که مجبور به سازش با جامعه ی مردسالار است، بیخشد. (۲۷-۲۸)

عصمت چغتای (۱۹۱۵م-۱۹۹۱م)

این نویسندگان، در حالی که نقش های جنسیتی سنتی را به تصویر می کشند، از شخصیت های زن و مرد سرکشی می نویسند که به نوعی از هنجارها و سنتها منحرف شده اند. در میان ایشان، نام عصمت چغتای نامی کلیدی است. او داستان هایی نوشت که با نقش های جنسیتی مخالفت می ورزید و چهره ی ریاکار جامعه ی خویش را بر آفتاب می افکند. از سوی دیگر داستان های عصمت چغتای شخصیت های زنی را معرفی می کنند که از نظر مالی مستقل هستند؛ مانند رمان های «ٹیڑھی لکیر» (خط کج) و «معصومیت». عصمت از همه زنان نویسنده ی هم روزگار خود ممتاز است؛ چون در آن زمان، زنان حتی از انتشار نوشته های خود با نام واقعی خویش می ترسیدند؛ اما در همان زمان، عصمت چغتای که از خانواده ای مسلمان و متدین برخاسته بود، کج روی های جنسیتی مردان، عدم آزادی زنان در جامعه، تلقی از زن به مثابه کالایی جنسی در جامعه مردسالار و موضوعاتی از این قبیل را در نوشته های خود جا داد که می توان آنها را به صورت گسترده در کتاب های او؛ مانند دو هات (دو دست)، لحاف، چوتھی کا جوڑا (لباس کلاس چهارم) و غیره یافت. (الحسن ۶۷) مجموعه های اصلی داستان کوتاه وی، آثاری همچون: کلیاں (جوانه ها)، چوٹیں (آسیبها)، چوٹی موٹی (شکونده)، اک بات (یک نقطه) و دو هات (دو دست) را شامل می شود. رمان های او نیز ٹیڑھی لکیر (خط کج)، ضدی (لجاج)، اک قطرہ خون (یک قطره خون)، دل کی دنیا (دنیا ی قلب) و بهروپ نگر (شهر فریبنده) است.

قره‌العین حیدر (۱۹۲۷م-۲۰۰۷م)

او در ادبیات داستانی اردو پیشگام است و نوشتن را در زمانی آغاز کرد که رمان هنوز به عنوان ژانری جدی در فضای شعر-محور ادبیات اردو جا نیفتاده بود. او رمان را از رکود خارج کرد، وسواس فانتزی، عاشقانه‌نویسی و واقع‌گرایی سطحی را از بین برد. او دامنه و عمق فوق‌العاده‌ای به رمان اردو بخشید و زمینه‌های جنجالی تاکنون کشف نشده‌ی اندیشه و حساسیت انسان را مورد توجه قرار داد. (قاسمی ۲۶۷) او به عنوان نویسنده‌ای پرکار، تاکنون ۱۲ رمان و چهار مجموعه داستان کوتاه نوشته و تعداد قابل توجهی از آثار کلاسیک جهان را ترجمه کرده است. وی برای رمان دیگر خود، «آخر شب کا همسفر» (همسفر آخر شب) جایزه جنانپیت^۱ را دریافت کرد. یکی از واپسین نوشته‌های او آگ کا دریا (رودخانه آتش)، که پس از استقلال پاکستان منتشر شده بزرگ‌ترین رمان وی به زبان اردو و احتمالاً در ادبیات داستانی اردو، یک اثر کاملاً استادانه است. قره‌العین حیدر نقد برخی نقش‌های سنتی-جنسیتی را در داستان‌های خود گنجانده است. او همچنین در مورد زنان مدرن، تحصیل کرده و مستقل؛ مانند «سیتا مارچندانی» در «سیتا هرن» و «چمچا احمد» در «رودخانه‌ی آتش» و همچنین قهرمان «صدای پاییز» نوشت. او با رد سنت، نقش‌های جنسیتی جدید از دیدگاه خود را تعیین کرد.

ادبیات اردو پس از عصر استقلال پاکستان

در هفتاد سال اخیر، نام‌های جدیدی در ادبیات اردو مطرح شده‌اند. در پی تجزیه‌ی شبه‌قاره، صدها و هزاران تن از مردم، آواره، قتل عام، تهی‌دست و فاقد معیشت شده و زنان نیز مورد خشونت قرار گرفته‌اند. در شهرها، خشونت‌های فرقه‌ای، سرکوب سیاسی و تعصبات شدید عقیدتی و مذهبی وجود داشته است. همه اینها موضوعات متنوعی را به نویسندگان اردو زبان؛ اعم از زن و مرد ارائه داده و هر یک به سبک خود آن را گرفته و پروراندند. بسیاری از داستان‌هایی که در خصوص زنان و مردان نوشته شده‌اند، منعکس‌کننده‌ی نقش‌های جنسیتی سنتی است (کیومرثی جرتوده ۸۲)؛ اما در برخی از داستان‌ها و رمان‌ها، نمونه‌هایی از زن و مرد وجود دارد که به صورت بخشی یا کامل از سنت منحرف شده‌اند. (Memon 25)

نقش زنان در ادبیات پس از استقلال پاکستان

^۱ . Jnanpith

سال‌های پس از استقلال پاکستان را می‌توان به عنوان عصر زنان نویسنده در نظر گرفت. پس از استقلال، افزایش سواد در زنان مهمترین زمینه برای ایجاد انگیزه و علاقه در این بخش از جامعه‌ی مدنی برای فعالیت‌های ادبی بوده است. در این دوره نویسندگان بزرگی در پاکستان ظاهر شدند که بلافاصله پس از استقلال، از نگاه یک زن و با لحن و سبکی زنانه شروع به نوشتن کردند. (Kausar and others 138) در داستان کوتاه؛ ممتاز شیرین، سائره هاشمی، نشاط فاطمه، انور غالب، فرخنده لودی، زاهده حنا و نیلم بشیر، اقدامات ارزنده‌ای به انجام رساندند و دامنه‌ی داستان‌نویسی زنان را گسترش دادند. در ادامه با تفصیل بیشتر به تعدادی از این نویسندگان می‌پردازیم.

کشور ناهید (پیش‌تاز در زنانه‌نویسی، متولد ۱۹۴۰م -)

ناهید، نویسنده‌ای است که با بهره‌گیری از لحنی ملایم و با صدای اعتراضی تلخ، توانسته است به طور مؤثر، آلام روحی، سیاسی، اجتماعی و جسمی زنان در یک نظام خودکامه را بیان کند. برای او شعر به منزله‌ی سلاحی بود که می‌توانست ارکان ستم در چنین جامعه‌ای را به لرزه درآورد. وی تمام جنبه‌های زندگی زنان را؛ از جایگاه آنها در سیاست، ملت و دولت‌سازی تا استثمار جنسی ایشان، بررسی کرده است. او همچنین نوشته‌های زنان را از زبان‌های دیگر به اردو ترجمه کرده و غزل‌ها و شعرهایی با همان امکانات سروده است. مجله‌ی ادبی اردو با نام «چهارسو» در شماره‌ی ویژه‌ی «کشور ناهید، نماد بلامنازع ادبیات فمینیستی در زبان اردو»؛ مشتمل بر مقالاتی از نویسندگان معاصر در خصوص زندگی و آثار او، منتخبی از اشعار وی، و گزیده‌ای از آثار منثور او؛ از جمله ترجمه‌ها و اقتباس‌های کشور ناهید از ادبیات غربی و گفتگویی تأمل برانگیز با این شاعر را ارائه داده است.

کشور، زنی است که بیش از چهل سال به طور مداوم به نوشتن مشغول بوده و بیش از چهل کتاب تولید کرده است. وی حدود ۵۰ سال است که در جنبش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فعالیت و شرکت می‌کند و از زمانی که تجربه‌ی پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی در پاکستان به وجود آمده در تولید و پخش این برنامه‌ها نیز مشارکت داشته است. افزون بر این؛ هنگامی که کنفرانس بزرگ موسیقی هند و پاک در لاهور برگزار شد، وی در این کنفرانس هم شرکت داشت. نقطه‌ی ثقل فعالیت‌های فرهنگی کشور ناهید، ادبیات خلاق، اعم از شعر و نثر است و مجموعه آثار او علاوه بر اینکه واجد درون‌مایه‌های ترقی‌خواهانه می‌باشد، به زبان ملی پاکستان با بیانی طبیعی، زیبا، تازه و پرتحرک سروده و نوشته شده و او برخی اشعار فراموش

نشدنی و ماندگار را به ادبیات اردو اعطا کرده است. وی در آثار شعر و نثر خود، برخی از مضامین مربوط به زنان را که معمولاً شاعران آنها لمس نکرده‌اند، بیان کرده است. (طارق ۱۶۳) مضامینی؛ مانند خشونت فیزیکی، مختون و ناقص کردن زنان به بهانه محافظت ایشان؛ و مواردی از این دست که قطعاً در دایره‌ی تجربیات زیسته و شخصی شاعر قرار نداشته، بیانگر نوعی هم‌پردی و دفاع از حقوق انسان‌های همجنس و هم‌وطن و هم‌زبان در آثار اوست. آثار و فعالیت‌های اجتماعی کشور ناهید، جایگاه او را به عنوان نماینده‌ی بی‌پروا و واقعی زنان در ادبیات پاکستان تثبیت کرده است. واقعیت این است که هر کسی که کشور ناهید را بشناسد، او را به دلیل شوخ طبعی عالی، شخصیت تسخیرناپذیر، شجاعت، دفاع از اهداف درست، اشتیاق به زندگی و سرزندگی، دوست خواهد داشت. او شاعر است زیرا همیشه شعر را در قلب خود دارد. او نثر می‌نویسد، زیرا حرفی برای گفتن دارد. او نه تنها یک نماد است، بلکه او عزیز ادبیات معاصر اردو در کل شبه‌قاره‌ی آسیای جنوبی است.

فهمیده ریاض (۲۸ جولای ۱۹۴۶م - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۸م)

او از اوان بیست سالگی، زنی شاغل بوده است. او برای هر دستاورد، با تمام توان مبارزه و جهان اطراف خود را مشاهده کرد و هر چالشی را که برای او پیش آمد با سعی و تلاش بسیار پشت سر نهاد. از جمله فعالیت‌های اجرایی وی، مدیریت مؤسساتی؛ مانند شورای هنرهای ملی پاکستان^۱ و سازمان مردم‌نهاد خودش به نام حوا^۲ است که به صورت تخصصی، لباس‌های گلدوزی شده توسط زنان روستایی را در شرق و غرب پاکستان تولید می‌کند. (مری ۱۹) فهمیده ریاض، شاعر ذخایر عاطفی زنانه است و همین امر او را به منتقد روابط مردسالارانه تبدیل می‌کند.

سنگدل رواجوں کی / یہ عمارت کہنہ / اپن ے آپ پر نام / اپن ے بوجھ سے لرزاں... / یہ اسیر شہزادی / جبر و خوف کی دختر / واہموں کی پروردہ / مصلحت سے ہم بستر / ضعف و یاس کی مادر / جب نجات پائی ے گی... / تو وہ ے زن زندہ / جس کا جسم شعلہ ے / جس کی روح آہن ے / جس کا نطق گویا ے... (فہمیدہ ریاض ۱۷۸-۱۷۹)

ترجمہ: آیین‌های بی‌رحم این عمارت مندرس / پشیمان است از خویش و لرزان است از ثقل وجود خویش / این شاهدخت اسیر / دختر جبر و ترس / پرورده در ترس‌های خویش / برای

^۱ . The National Arts Council of Pakistan

^۲ . Hawwa

مصلحت هم بستر می‌شود / مادر ناتوانی و نومیدی / هرگاه رهایی یابد زنده خواهد بود / تنش
شعله / روحش آهن / و زبانش گویا...

او با صراحت و گاه خشم درخصوص هویت اجتماعی تحقق نیافته زنان، از قدرت خلاقیت
آنها و نزدیک بودن آنها به زمین می‌نویسد. شعر او نیز طی سال‌های گذشته به وضوح سیاسی
شد. او در واپسین سال‌های حیات خویش فردی کاملاً عمل‌گرا، سخت‌کوش و تجسم موفقیت
بود.

نیگار احمد (۱۹۴۵م - ۲۰۱۷م)

وی در کنش‌های اجتماعی بسیار فعال بود و در بنیاد عورت (یک سازمان حقوق زنان در
پاکستان) کار می‌کرد. او کارشناسی ارشد خود را در دانشگاه پنجاب لاهور و تحصیلات عالی خود
را در دانشگاه کمبریج انگلستان به پایان رساند. او با قلم و اقدامات اجتماعی خود در بسیاری از
امور مربوط به زنان پاکستان نقش‌آفرینی کرده است.

سارا شگفته (۱۹۵۴م - ۱۹۸۴م)

وی یک وقایع‌نگار و تحلیل‌گر عمیق در خصوص وضعیت روانشناختی زنان در یک جامعه‌ی
کلاستروفوبیک^۱ است که هیچ راه‌گیزی برای آن دیده نمی‌شود.

عذرا عباس (۱۹۵۰م -)

عذرا عباس به صورت ویژه به دنبال بررسی رابطه‌ی تنانگی زنان با احساسات و محیط
آنهاست.

برخی دیگر از مشاهیر ادبیات و فرهنگ اردو؛ مانند عشرت‌آفرین که چالش و تنش میان
اعتماد به نفس تازه خود را به عنوان یک زن و یک واقعیت مردسالارانه اجتماعی بررسی می‌کند.
از دیگر شاعران خوب می‌توان به تنویر انجم (متولد ۱۹۵۶م)، عایشه اسلم، محمود غازی، یاسمین
حامد و شهید احسان اشاره کرد.

در ادامه، از نسل جوانی از زنان نویسنده و شاعر یاد می‌کنیم که رهنمودها را از پیشینیان
گرفتند؛ اما ظرافت‌های روابط انسانی و اجتماعی را، از پیش پا افتاده‌ترین فعالیت‌های زنان گرفته
تا تناقضات خانواده و ملت، با دقت بیشتری بررسی کردند. این زنان که زندگی زنان پاکستان را

^۱ . Claustrophobic

بہ خوبی کاویدہ اند، تجربیات خود در فرم و سبک را تکامل بخشیدند تا بتوانند دیدگاہی خود را بہتر منتقل کنند.

پروین شاکر (۲۴ نومبر ۱۹۵۲م - ۲۶ دسامبر ۱۹۹۴م)

پروین شاکر مرجع تاریخ اردو، شاعر برجستہی پاکستان است و در زمینہی ادبیات و شعر، جایزہ افتخار عملکرد^۱ - معتبرترین جایزہ پاکستان - بہ وی اعطا شدہ است. اولین دفتر شعر وی بہ نام «خوشبو» در سال ۱۹۷۶م موفقیت زیادی کسب کرد. پروین شاکر از اندوہ خود بہ عنوان یک زن آگاہ است و جاذبہی زن را برای ایجاد روابط استثماری کہ معلول نیاز وی بہ حمایت عاطفی و تحقق آن، بررسی می کند. (احمدوانی ۲۳-۲۴)

جب میرے سر سے چادر اتری / تو میرے گھر کی چہت میرے لئے اجنبی ہو گئی /
تم ہمارے لئے مر چکی ہو / اہل خانہ کی خاموشی نے اعلان کیا / اور میں بابل کے
دروازے سے / دستک دی ہے بنا / لوٹ آئی / میں نے / بڑے مان سے / اپنے پریمی
کی طرف دیکھا / مگر اُس کی آنکھوں میں برف جم چکی تھی / جیسے میرے لئے
ان جھیلوں میں کنول کبھی کبھی نہ تھے / اب میں کھلے آسمان تلے
کھڑی تھی / اپنے لال کو سینے سے لگائے / یا اللہ! میں کہہ جاؤں / سر پہ
پہاڑ سی رات / چاروں طرف بھٹیڑی ہے / اور عورت بو سونگہتے ہوئے شکاری
کتے / ہمیں گھاس نہ ڈالنے کا نتیجہ کہتی آنکھیں / ہمیں موقع دو کہ نہ
والے اشارے / اور چیتھڑے اڑانے والے قہقہے / اور مار دینے والی ہنسی / ٹھٹھے
کرتی ہوا / اور فقرے کستی بارش / ہر طرف سے سنگباری! / مجھ میں اور پاگل پن میں /
بس ایک رات کا فاصلہ رہ گیا تھا / خودکشی بھی میری تاک میں بیٹھی تھی ...
(شاکر، دفتر انکار ۱۸۹-۹۰)

ترجمہ: آن گاہ کہ حجاب از سرم فرو افتاد / سقف خانہی خودم برایم بیگانہ شد / سکوت
خانوادہ اعلام کرد: تو برای ما مردہ ای / و من از درگاہ خانہی پدری بی دق الباب بازگشتم / من / با
افتخار روی بہ عاشق خویش آوردم / اما چشمانش یخ زدہ بود / گویی برای من در این دریاچہ
ہرگز نیلوفر نشکفته است / اکنون در زیر آسمان پہناور ایستادہ بودم / فرزند نازنینم را در آغوش
فشردم / خدای من! کجا بروم؟ / شب در برابر من همچون کوہی ایستادہ است / و گرگہا در

^۱ . Pride of Performance Award

(صدای سکوت، نقد فمینیستی)، فیمنزم اور هم (ادب کی گواهی) (فمینیسم و ما به شهادت ادبیات) و بلوچستان کا ادب اور خواتین (ادبیات بلوچستان و زنان) از آن جمله‌اند. وی غیر از فعالیت‌های قلمی، یکی از اعضای فعال انجمن زنان و توسعه هم بود. (احتشام ۳۹۸)

فاطمه حسن تأملات ارزشمندی در باب موضوعاتی همچون: فمینیسم چیست؟ نسبت فمینیسم و تمدن مدرن غرب چیست؟ مظاهر تبعیض رفتاری و راه‌های مبارزه با آن کدام است و چگونه می‌توان در نگرش جامعه نسبت به نابرابری حقوق زنان و نقش زنان در جامعه تغییر مثبت ایجاد کرد؟ (حسن ۱۰)

فاطمه حسن در خصوص ادبیات زنانه اردو می‌نویسد: ادبیات زنان بخشی ارزشمند و مهم از ادبیات اردو است. آگاهی از این گرایش فرهنگی اثبات می‌کند که این شاخه از ادبیات، آئینه‌ای برای درک وضعیت زنان است. فمینیسم با تاریخ پیوند خورده است و ادبیات فمینیستی نه تقلید از غرب است و نه با ارزش‌های سنتی ما مغایرت دارد، بلکه سیر تفکر نیمی از مردم ما را ارائه می‌دهد. ادبیات زنانه، دیدگاه زنان نویسنده را به نمایش می‌گذارد و نمی‌توان اهمیت این دیدگاه را در ادبیات امروز انکار کرد. (حسن ۴۱۸)

بانو قدسیه (۱۹۲۸م-۲۰۱۷م)

یکی از شخصیت‌های ادبی محبوب در پاکستان، بانو قدسیه، از مشهورترین نویسندگان ادبیات اردو است. او بیشتر در نوشتن برای رادیو و تلویزیون شهرت داشت. او نویسنده‌ی کتاب‌های زیادی است؛ از جمله رمان راجا گده (کرکس سلطان) که در سال ۱۹۸۴م منتشر و پرفروش‌ترین رمان پاکستان شد. بانو قدسیه یک نویسنده‌ی پرکار در داستان‌نویسی است و از طرحی در نوشتن پیروی می‌کند که از پوچی، به عنوان ریشه و چارچوب شخصیت اصلی در جهانی فاقد معنا استفاده می‌کند. این رمان‌ها عملکرد و پویایی یک جامعه‌ی در حال توسعه را نشان می‌دهد که در آن، انسان تحت فشار سازوکار بی‌رحمانه‌ی نظام اجتماعی خرد می‌شود. وی در سال ۱۹۲۸ متولد شد و با اشفاق احمد، نویسنده‌ی دیگری در ادبیات اردو، ازدواج کرد.

بی‌نظیر بوتو (۲۱ ژوآن ۱۹۵۳م-۲۷ دسامبر ۲۰۰۷م)

بے نظیر بھٹو (بی‌نظیر بوتو) مشهورترین شخصیت سیاسی در تاریخ سیاست پاکستان است. او برجسته‌ترین زن پاکستان تا روزگار ماست. او اولین نخست‌وزیر زن در پاکستان بود و در

¹ . Women and Development Association

سال ۱۹۹۳م مجدداً برای پست نخست‌وزیری پاکستان انتخاب شد. در سال ۲۰۰۷م برنده‌ی جایزه ملت متحد^۱ در زمینه حقوق بشر گردید و در ۲۷ دسامبر همان سال در لیاقت‌باغ راولپندی ترور شد. بی‌نظیر بوتو کتابی درباره‌ی زندگی خود به نام «دختر پاکستان» نوشته است.

نقش زنان در ادبیات دهه‌ی اخیر اردو

در ۴ مارس ۲۰۱۵م برنامه‌ای تحت عنوان «نقش زنان در ادبیات» توسط شبکه ارتباطات توسعه‌ی پاکستان و شورای هنر راولپندی (RAC) در ارتباط با چهارمین جشنواره ملی زنان در سالن راک (RAC) برگزار شد. به همین مناسبت، برخی از نویسندگان و شاعران برجسته؛ مانند زرین یاسین، ثروت محی‌الدین، نیلوفر اقبال و عایشه مسعود برخی از نظرات خود را بیان کردند. غیر از سخنرانی و قرائت شعر و نثر، جلسه‌ای تعاملی با دانشجویان و حاضران هم برگزار شد.

زرین یاسین، شاعر پاکستانی مقیم ایالات متحده آمریکا، مروج و معرف ادبیات اردو در آمریکاست. به گفته‌ی وی: ادبیات زنانه، نقش بسزایی در توسعه اجتماعی دارد و امروز زنان نویسنده در حال نفس کشیدن هستند. او معتقد است که برای داشتن یک جامعه‌ی سالم لازم است، عواطف، خواست‌ها و احساسات زنان طبقات مختلف را در نقش‌های اجتماعی مختلف درک کنیم و ادبیات زنان نه تنها زمینه رسیدن به چنین درکی را فراهم می‌سازد، بلکه می‌تواند در خصوص حقوق زنان و معضلات و مشکلات ایشان روشنگری نماید.

(<https://www.thenews.com.pk>)

ثروت محی‌الدین، در حالی که داستان موفقیت خود را اغلب به زبان پنجابی روایت می‌کند، در شعر صوفیانه تخصص دارد و گاه به زبان اردو می‌نویسد. او اغلب از سوی محافل ادبی و دانشگاه‌های سراسر جهان برای سخنرانی در خصوص شعر پنجابی دعوت می‌شود.

نیلوفر اقبال نیز نویسنده‌ی دیگری است که به‌واسطه‌ی داستان‌های کوتاه خود بسیار شناخته شده است. او در یکی از داستان‌های خود با عنوان «حساب»، رنج و عذاب مادری را روایت می‌کند که تمام زندگی خود را صرف تربیت فرزندان خود کرده؛ اما آنها با موفقیت سفر زندگی را آغاز می‌کنند و از مادر خود غافل می‌شوند. (همان)

^۱ . United Nation

^۲ . Devcom-Pakistan

عایشه مسعود، شاعر و روزنامه‌نگار مشهور، معتقد است که نویسندگان بزرگ زن، فداکاری‌های زیادی کرده‌اند تا راه را برای زنان نویسنده و شاعر جوان هموار نمایند تا به نسبت استعداد و توانایی ادبی آنها پذیرفته و شناخته شوند. (همان)

ادبیات زنانه‌ی مهاجرت در زبان اردو

با مهاجرت خانواده‌های پاکستانی به کشورهای غربی و برخی کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس، نوشته‌های خارج از کشور، شعبه‌ی متمایزی از ادبیات اردو را تشکیل داده است. صبیحه شاه، زندگی گروهی از مهندسان و کارگران فنی پاکستانی در کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس را در مجموعه داستان‌های خود؛ «شیشه کا سایبان» (چادر شیشه‌ای ۱۹۹۰) از منظر یک نویسنده‌ی زن شرقی به تصویر کشیده است. رمان‌های *The Crow-Eaters* (کلاغ خواران ۱۹۷۸م)، *Ice Candy Man* (مرد آب نبات یخی ۱۹۸۸م) و *The American Brat* (برات آمریکایی ۱۹۹۳م) از بیسی سیده‌هوا، زندگی خانواده‌های پارسی ساکن در پاکستان را با محوریت زنان خانواده، در یک محیط فرافرهنگی توصیف کرده است. در رمان برات آمریکایی یک دختر جوان پاکستانی که در شهر نیویورک در معرض مخاطرات و آسیب‌های گوناگون قرار می‌گیرد، روایت شده است. وی حتی از دریچه‌ی نگاه یک نویسنده زن آسیایی، زندگی سیاه‌پوستان و ترس بیگانه بودن را با تکیه بر تجربیات شخصی خود از زندگی در این شهر بزرگ، به اثر افزوده است.

فرحت پروین، یک پزشک نویسنده است که در مجموعه داستان‌هایش با نام منجمد (یخ زده‌ها ۱۹۹۷م) شرح روشنی از وضعیت مهاجران پاکستانی و آسیایی به دست داده است. وی بویژه بر چالش‌های پیش‌روی خانواده‌های پاکستانی برای ایجاد تعادل در یک محیط جدید و ناآشنا تمرکز کرده است.

۳. نتیجه‌گیری

زبان اردو، زبان ملی جمهوری اسلامی پاکستان و یکی از مهمترین زبان‌های ادبی و فرهنگی در شبه قاره و دارای بیش از پنجاه میلیون گویشور در سراسر جهان است. این زبان با توجه پیشینه‌ی تاریخی خود و رابطه‌ی نزدیکی که با فرهنگ‌های پرسیا‌ی همسایه برقرار کرده، میراث قابل توجهی از آثار ادبی را فراهم آورده است. پس از تسری دغدغه‌های مسائل زنان از جوامع اروپایی به آسیا و شرق، جنبش‌های زنانه در شبه قاره و خصوصاً پاکستان نیز شکل گرفته و در پیگیری مطالبات اجتماعی این جنبش‌ها، ادبیات به عنوان ابزاری کارآمد نقش‌آفرینی کرده

است. با توجه به آثار متعددی که توسط شاعران و نویسندگان زن با درونمایه‌های مرتبط با جنبش‌های دفاع از حقوق زنان پدید آمده و در این پژوهش بررسی شده است، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که سابقه‌ی نوشتار زنانه در زبان و ادبیات اردو به سده‌های پیشین و دوران سیطره‌ی گورکانیان هند بر شبه قاره بازمی‌گردد. در جریان مبارزات استقلال طلبانه‌ی ملت مسلمان پاکستان نیز زنان شاعر و نویسنده، نقش مهمی در این نهضت ایفا کرده‌اند؛ اما در دوران پس از استقلال این کشور، مبارزات اجتماعی زنان با بهره‌گیری از آثار خلاقه‌ی ادبی رشد و گسترش فوق‌العاده‌ای یافته و به نتایج بزرگی نائل شده است تا آنجا که طی سالیان دراز، عالی‌ترین مقام اجرایی در این کشور، به یکی از بانوان تحصیل کرده که خود نویسنده‌ی کتابی با عنوان «دختر پاکستان» است، سپرده می‌شود. در میان چهره‌های ادبی صاحب ادبیات زنانه، به نام‌های بزرگی؛ همچون فهمیده ریاض، پروین شاکر، ادا جعفری، کشور ناهید و ... بر می‌خوریم که هر یک به‌قدر ظرفیت و وسع خویش، در بازتاب مسائل و مشکلات زنان و پیشبرد حرکت اجتماعی استیفای حقوق ایشان در نظام اجتماعی مردسالار پاکستان سهیم بوده‌اند. با آنکه تکیه‌گاه ایدئولوژیک جنبش‌های زنانه در پاکستان گاه، واجد وجوه لیبرال و مبتنی بر مطالبات حقوق بشری است؛ کثیری از این فعالیت‌های اجتماعی که اغلب صبغه‌ی ادبی به خود گرفته، مبتنی بر آموزه‌های انسانی اسلام و قرآنی مدرن از این آموزه‌هاست؛ از این رو، بسیاری از مصادیق ادبیات زنانه و آثار نویسندگان و شاعران زن پاکستانی، با وجود نقد ساختار اجتماعی مردسالار، کمتر تحت تأثیر اشکال رادیکال و تندرو فمینیسم و جریان‌های ضد مرد قرار داشته است. یکی از نتایج مهم پژوهش پیش‌رو این است که زنان شاعر و نویسنده‌ی پاکستان از زمان استقلال این کشور تاکنون در توسعه‌ی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و رشد اقتصادی این کشور از طریق فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر و ایفای نقش‌های پر جنب و جوش، تأثیر بسیار تعیین کننده‌ای داشته‌اند.

References

- Ahmad Wani, Farooq. "Parvin Shakir ki Nazmoo Men Tanisi Rang". *Urdu Research Journal*, vol. 12(October- December 2017): 23-27.
- Ahsan, Abdul Shakoore. *Pakistan men Farsi Adab ka erteqa. (Maqalat e Ahsan: Moratebeen: Aftab Asghar, Moeen Nizami) Lahore: University of the Punjab, Persian language and literature, (1999): 321-386.*

- Alhassan, Qamar. "Esmat Chughtai Nasaye Adab or Baghyana Samaji Haqeeqat Pasandi ki Almbardar". *Urdu Research Journal*, vol. 15 (July-September 2018): 65-69.
- Amber, Haque. "Psychology from Islamic Perspective: Contributions of Early Muslim Scholars and Challenges to Contemporary Muslim Psychologists". Switzerland: *Journal of Religion and Health*, vol. 43, no. 4 (December 2004): 357-377.
- Babur, Zahiruddin Muhammad. *Baburnama*. Translated by A.S. Beveridge. Delhi: Low Price Publication, 2006.
- Bano, Shaheda. *Docter Rsheed Jahan: Hayat or Karname*. Lacknow. 1990.
- Boudon, Raymond, and Francowa Burrico. *Farhang Enteqadi Jame Shanasi*. Translation by Abdol Hussain Nik Gohar. Tehran: Farhange Maser, 1385.
- Cudden, J.A. *Farhange Estelahat Adbi*. Tehran: Chapkhana Hafiz wa Entsharat Rahnama, 1380.
- Daglas, Fidwamalti. "Adbyat Arab: Moroor Kulli". Translated by Mujtaba Munshi Zade Tehran. *Adbayat Millal Musلمان* (Majmoa Maqalat az Dairatul Maarif Jahan Novin Islam, Zer Nazar Jaan AspozTive) Kungre. (1380): 97-114.
- Ehtesham, Munazza. "Dr. Fatema Hassan". *Urdu Adab ka Tanesyati Motalla* (Majmoaa Maqalat be koshish Munazza Ehtesham). Multan: Honey Books Urdu Bazar Gulgasht, (2008): 409-398.
- Fahmeda Riaz. *Sab Lall o Gohar*. Lahore: Sang meel Publications, 2011.
- Fatohi, Mahmood. *Sabk Shanasi: Nazrye ha, Roekard ha, wa Rawish ha*. Tehran: Sokhan Publications, 1392.
- Findly, Ellison Banks. *Nur Jahan: Empress of Mughal India*. Oxfoed: Oxford University Press, 1993.
- Gardezi, F. "Islam, Feminism and the Women's Movement in Pakistan: 1981-91". *Against All Odds: Essays on Women, Religion and Development from India and Pakistan*. Edited by K Bhasin et al. Kali for Women, New Delhi, (1994): 5 1-8.
- Gardezi, F. "Nationalism and State Formation: Women's Struggles and Islamization in Pakistan". *Engendering the Nation-State*. Edited by Neelam Hussain et al. Lahore, Simorgh (1997) : 79-110.
- Ghasemzade, Syed Ali. *Hamzisti Adbyat Tatbeqi wa Nazrye haye Adbi*. Qazvin: Jihad Danishgahi, 1396.
- GholamHussain Zadeh, Gholam Hussain et al. "Ser Adbyat Zanan dar Iranaz Ebtadai Mashroteh ta Payan dahe hashtad". *Tareekh Adbayat*. vol. 71(1391): 199-212.

- Gul-i-Hina. "Modernist Trends and Varied Responses: Reflections on Muslim Women in Urdu Prose by Male Authors of South Asia (1900-1936)". *South Asian Studies: A Research Journal of South Asian Studies*, vol. 27, no. 2, (July-December 2012): 459-478.
- Haron, A. "The Women's Movement in Pakistan". *Unveiling the Issues: Pakistani Women's Perspectives on Social, Political and Ideological Issues*. Edited by Nighat Said Khan and Afiya Shehribano Zia. Asr, Lahore (1995): 178-86.
- Hassan, Fatima. "Guzashta Sadi se Ahde Hazir tak Urdu Adab Men Nesaye Shaoor Aik Motalla". *Urdu Adab ka Tanesyati Motalla (Majmoaa Maqalat be koshish Munazza Ehtesham)*. Multan: Honey Books Urdu Bazar Gulgasht, (2008): 403-418.
- . *Feminism or Ham (Adab ki Gwahi)*. Karachi: Wada Kitab ghar, 2005.
<https://www.thenews.com.pk/print/27436-female-literati-play-key-role-in-creating-awareness-about-socio-democratic-uplift>.
- Jaffri, Adda. *Ghazalaa Tum to Waqif ho*. Lahore: Ghalib Publishers, 1982.
- . *Mosam Mosam (Kulyat)*. Karachi: Bazyaft Academy, 2002.
- Jahan, Janti. "Hijab Imtiaz Ali Taj Besveen Sadi ki Aik Ahem Fankar". *Urdu Research Journal*, vol. 20 (October-December 2019): 72-77.
- Jahangir, Asma. and Jilani, Hina. *The Hudood Ordinances: A Divine Sanction?* Lahore: Rhotas Books, 1990.
- Jalal, Ayesha. "The Convenience of Subservience: Women and the State of Pakistan". *Women, Islam and the State*. Edited by Deniz Kandiyoti. Macmillan, Basingstoke, 1991.
- Javed, Azeez. *Pakistan ki Namwar Khawateen*. Peshawar: Deeba Publications, 1968.
- Kausar, Rubina et al. "The Past and Present Trends of the Urdu Literature Collectively with Its Derivation and Geographic Circulation". *American Journal of Social Science Research*, vol. 1, no. 3 (2015): 136-140.
- Khalid, Khurshid, et al. "A Study of the Representation of Female Image in the Textbooks of English and Urdu at Secondary School Level". *Pakistan Journal of Social Sciences*, vol. 30, no. 2 (2010): 425-437.
- Kioumarsji Jartudeh, Muhammad. "A Study of the Realist Movement in Persian and Urdu Short Stories: A Brief and Comparative Look" ["Barresi-e Nahzat Realism dar Dastanhaye Kotah Farsi wa Urdu: Nigah Ejmali wa Moqaise"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 15, no. 59 (1389): 75-86.

- Magi, Ham, and Sara Gambel. *Farhange Nazrya haye Feminist*. Translated by Ferooz Mohajir et al. Tehran: Toseh, 1382.
- Mamnat Atis, Sarh G. "Adbyat Turkey". Translated by Nadre Tehran. *Adbayat Millal Musلمان (Majmoa Maqalat az Dairatul Maarif Jahan Novin Islam, Zer Nazar Jaan AspozTive)*. Kungre. (1380): 73-96.
- Mari, Muhammad Shah. *Aik Chohte se Kitab ki Dewani Fahmeda Riaz*. Quetta: Mehr Dar, 2014.
- Maria Omer. "Mushatarkat wa Tabadolat Zaban Farsi wa Urdu". *Anahita*, vol. 03. (2016): 71- 84.
- Masomi, Mohsin, et al. "Barrasi Jaygah Sultan Begam dar No Sazi Amozesh Zanan Musلمان Hind". *Motaleat Tareekh Islam*, vol. 46. no. 12. (1399): 153-174.
- Memon, Muhammad Umar. *The Color of Nothingness: Modern Urdu Short Stories*. Oxford: Oxford University Press, 2007.
- Mukhia, Harbans. *The Mughal of India*. Singapore: Wiley-Blackwell, 2004.
- Qadri Zor, Syed Mohyol Deen. *Hidustani Lisanyat*. Lacknow: Naseem Book Depot, 1960.
- Qasemi, Abul kalam. "Quratulain Haider or Nesayi Haisiat ka Naya Rujhan". *Urdu Adab ka Tanesyati Motalla, (Majmoaa Maqalat be koshish Munazza Ehtesham)*. Multan: Honey Books Urdu Bazar Gulgasht, (2008): 262-268.
- Rouse, S. J. "Gender(ed) Struggles: The State, Religion and Society". *Against All Odds: Essays on Women, Religion and Development from India and Pakistan*. Edited by Kamla Bhasin et al. New Delhi(1994): 16-34.
- Rubina, Kauser, et al. "A Review of the Contributions by Women to Urdu Literature in Earlier and Nearby Periods". *Housten: American Journal of Social Science Research*, vol. 1, no. 4 (2015): 152-158.
- Sammar Fazal, Simin. *Hidostani Muslim Khawateen ki Jaded Taleme Taraqi Men Ebtedai Urdu Novel ka Hesa*. Kolkata: Abadi Publication, 1991.
- Shaheed, Farida. and Warraich, Sohaila. Akbar. "The Context of Women's Activism". *Shaping Women 's Lives: Laws, Practices, and Strategies in Pakistan*. Edited by Farida Shaheed et al. Shirkat Gah, Lahore(1998): 271-318.
- Shakir, Parvin. *Mahe Tammam Kulyat Parvin Shakir*. Delhi: Educational Publishing House, 1995.
- Shamli, Monis. *Sabke Newishtar Zannane dar Roman Hajar Alzahak Hudi Barakat*. Bachelor Thesis of Arabic Language and Literature, Qazvin: Imam Khomeini International University, 1396.

- Shamsul Haq, Muhammad. *Paimana Ghazal*. Islamabad: National Book Foundation, 2008.
- Shehryari, Ali Asghar Bond and Tahere syed Rezai. "Moqaise sher Foroogh Farokhzad, Farzane Khojandi wa Khaleda Foroogh az Manzar Nazrye Jansoon". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 19, no. 01 (1393): 45-61.
- Tabasum, Shadab. "Ebtedai Navloo men Taleme or islahi milanat". *Urdu Research Journal*, vol. 16 (October-December 2018): 97-102.
- Tahere, Quratulain. "Pakistani Shairat or Asri Hqaiq". *Urdu Adab ka Tanesyati Motalla, (Majmoaa Maqalat be koshish Munazza Ehtesham)*. Multan: Honey Books Urdu Bazar Gulgasht, (2008): 23-57.
- Tariq, Gulshan. "Kishwar Nahid ki Shairi men Taneesyat". *Majala Khayaban*, vol. 39 (2018): 161-169.
- Ume Habiba. "Tahreeke Pakistan Men Khawateen ka Kirdar". *Dukhtarane Islam*, vol. 25, no 8 (2018): 08-12.
- Wasti, Syed Razi. *Biographical Dictionary of South Asia*. Lahore: Ilmi Book Depot, 1987.
- Yazdan Manesh, Wafa. "Farsi or Urdu Shairat k Fikre Eshtarakat". *Anahita*, vol. 07 (2009): 174-186.
- . "Sehme Zaban Urdu dar Hamgeraye Musلمانan". *Pajohish Name Tareekh wa Tamadone Islam*. vol.50. no. 01 (1396): 141-156.
- . "The Exploration of the Origin of the Novel in Urdu Literature" ["Justari bar Sar Aghaz-e Roman Newisi dar Adbyat Urdu"]. *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 17, no.3 (Autumn and Winter 2012): 157-186.
- Zaidi, Sikandar Abbas. "Barrasi ejmali Sher Moaser Farsi wa Urdu az Nazar Shekl wa Mohtwa". *Faslnameh Takhasosi Zaban wa Adbyate Farsi*, vol. 18 (1388): 142-164.